

نابود باد جنگ: مرگ بر
خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

ارگان سازمان جریکهای فدایی خلق ایران
پرو برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال سوم
دی ماه ۶۵ شماره ۳۱

مرگ برجنگ، مرگ برخمینی زنده باد صلح و آزادی

در آخرین ساعات روز سوم دیماه، عملیات کربلای چهار، در جبهه جنوبی توسط نیروهای نظامی رژیم خمینی، به قصد اشغال جزیره املاصاف در خالک مراق آغاز شد و بمدت کوتاهی با در هم شکسته شدن سپاه جبل خمینی خاتمه یافت. در این عملیات که بنا به گزارشات متعدد خبرگزاریها، رژیم خمینی چند ده هزار کشته و زخمی داشته، بخش های وسیعی از لشکرها سپاه پاسداران شرکت داشته اند. شکست فاجعت بار رژیم در این عملیات، سبب آن شد که سران رژیم هر يك بنوعی عملیات موسوم به کربلای چهار را عملیاتی محدود و کوچک جلوه دهند.

خامنه‌ای رئیس جمهور جنایتکار خمینی در نماز جمعه روز ۵ دیماه گفت که این عملیات "کوچک و محدود" بوده و رژیم به اهداف خود رسیده است. گر چه دروغ های خامنه‌ای را هیچکس باور نکرد، اما این دروغگویی ها در ابعاد وسیعتری همچنان ادامه یافت. خرازی سرپرست تبلیغات جنگ خمینی با بیشرمی تمام اعلام نمود که در این عملیات مجموعاً ۶ هزار نفر در جبهه و پشت جبهه شرکت داشته اند. نخسوه تبلیغات رژیم و دروغگویی های بی حد سرز سران رژیم، نشان دهنده شکست فاحش و رسوایی آور رژیم در صفحه ۲

به مناسبت بیست و ششمین سالگرد انقلاب پرشکوه کوبا

در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳ انقلابیون کوبا برای رهایی از ظلم و ستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقات استثمارگر، مبارزه مسلحانه‌ای را علیه دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم "باتیستا" آغاز نمودند. شروع این حرکت انقلابی برای حکومت دست نشانده آمریکا يك زندگ خطر جدي بحساب می آمد.

این حکومت برای نابود کردن نطفه‌های انقلاب، سرکوب و خشکانه‌ای را آغاز نمود و در اینراه حربمهای بسیاری را بکار گرفت. اما انقلاب کوبا به رهبری فیدل کاسترو و همکاری انقلابیون بزرگی چون چه گوارا همچنان به پیش می‌رفت و هر روز به قدرت آن افزوده می‌شد. پس از گذشت شش سال از مبارزه مسلحانه و انقلابی مردم کوبا، در اول ژانویه سال ۱۹۵۹ توده‌های مسلح کوبا توانستند با پایان رساندن زمامداری امپریالیسم آمریکا در این کشور به پیروزی دست یابند. بقیه در صفحه ۸

بن بست بسیج نیرو و بهلاکت رسیدن کادرهای سپاه رژیم در جبهه‌ها

انعکاس چنین وضعی، باین بودن روحیه نیروهای بسیج شده در جبهه‌ها، باین بودن کیفیت این نیروها و باین بودن درجه آموزش آنان است. اکنون بخش قابل توجهی از نیروهای سپاه و کمیته‌ها، از

مشمولین تشکیل میشود. حتی تعدادی از کادرهای درجه دوم سپاه و کمیته‌ها که بطور داوطلبانه در این ارگانهای سرکوبگر و جنگ افروز، به رژیم خدمت میکردند، اکنون با منغفل شده و یا کناره گیری کرده‌اند. در چنین شرایطی، هر تهاجم فاجعت بار رژیم، سبب بهلاکت رسیدن بخشی از کادرهای ورزیده سپاه و فرماندهان آن می‌گردد. در این مورد بویژه در عملیات متعدد کربلا در جبهه‌های شمالی، میانی و جنوبی، و بخصوص در عملیات کربلای ۲ در جبهه حاج عمران متحمل تلفات سنگینی شد.

بطور مثال، در عملیات موسوم به کربلای ۲، بخش قابل توجهی از گردان کماندویی مقداد، گردان جندالله سقر، و گردان بهشتی متلاشی شد. تیپ ۹ بدر بقیه در صفحه ۷

توضیح: این مقاله قبل از عملیات موسوم به کربلای ۴ و شکست فاجعت بار نیروهای خمینی در این حمله نوشته شده است.

این روزها رژیم خمینی در رسانه‌های خبری خود، بطور مداوم از فرستادن نیروهای جدید به جبهه‌ها صحبت میکند. هر روز رادیوی رژیم خبر از اینکه فلان تعداد گردان از این شهر و آن شهر، روانه جبهه‌ها شده است، می‌دهد. در حالیکه سرنوشت بسیج ۵۰۰ گردان هنوز روشن نبود، سران رژیم از بسیج ۵۰۰ گردان سهند نغری دیگر دم زدند و با توجه به اینکه در این مورد هم موفقیت های چندانی بدست نیاوردند، یکباره از سپاه یکمده هزار نفری موسوم به محمد صحبت به میان آوردند. واقعیت اینست که، بخصوص در سال جاری رژیم برای بسیج نیرو، به اشکال مختلف فشار بر مؤمنان را افزایش داده و اکثریت نیروهای بسیج شده رژیم از طریق زور و آزار روانه جبهه‌ها میشوند.

اهداف ارتجاعی رژیم خمینی در عراق

رژیم خمینی روشن شود. ما بخشی از این حوادث را تیتروار ذکر می‌کنیم:

۱- در مطبوعات رژیم بارها اعلام شد که به ابتکار جمهوری اسلامی کنفرانسی بنام "کنفرانس همیاری ملت عراق" تشکیل میشود. حجت الاسلام احمد سالک (از تروریست های شناخته شده رژیم) مسئول برگزاری این کنفرانس بود. (کیهان رژیم ۲۸ آبان ۶۵)

۲- کنفرانس با سخنان خامنه‌ای آغاز بکار میکند و سرپرست بخش اعظم کارهای مربوط به کنفرانس و منجمله کمیسیونهای آن از مبره‌های رژیم خمینی بقیه در صفحه ۳

در تاریخ ۴ دیماه امسال کنفرانسی با شرکت بخشی از مخالفین دولت عراق در تهران تشکیل شد. نگاهی کوتاه به ترکیب و شکل برگزاری این کنفرانس نشان دهنده نقشه‌های توسعه طلبانه خمینی در رابطه با عراق است. گر چه گردانندگان کنفرانس و سران رژیم خمینی که در این کنفرانس سخنرانی کردند سعی میکردند وانمود کنند که رژیم خمینی هیچگونه دخالتی در اوضاع داخلی عراق نمی‌خواهد انجام دهد، اما دم خروس از سر تا پای کنفرانس پیدا بود. فقط کافیتست به جوامع مربوط به این کنفرانس مراجعه شود، تا عمق اهداف توسعه طلبانه و پان اسلامیتسی

گزارش وضعیت یکی از پایگاه های رژیم

در منطقه مرزبان

این گزارش کوتاه توسط يك سرباز انقلابی که صفوف نیروهای رژیم را ترك کرده تموین شده است.

در پایگاهی که من بوم حدود ۳۰ نفر در آن بسر می‌برند. ۲۸ نفر سرباز، دو نفر درجه‌دار. از میان این ۳۰ نفر بدستی می‌توان گفت که ۲۳ نفرشان با لاجبار آمده بودند. افراد فوق، گر چه بعلت جو بقیه در صفحه ۱۰

مردم ایران

در شانزدهمین سالگرد رستاخیز سیهاکل (۱۹ بهمن) و هشتمین سالگرد انقلاب پر شکوه بهمن (۲۲ بهمن) باشاعر

نابود باد جنگ مرگ برخمینی زنده باد صلح و آزادی
خاطره این روزهای تاریخی را گرامی داریم.

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

آخرین موضع گیری مهم اتحاد شوروی در قبال جنگ ایران و عراق

بقیه از صفحه ۱۲

دیگر و مطبوعات خاورمیانه منعکس گردید. این موضع گیری برای سران رژیم خمینی بسیار گران آمد و در مقابل آن موسوی نخست وزیر جنایتکار خمینی در روز ۲۱ دیماه طی يك مباحثه گفت " تمام اینها نشان می دهد، در رابطه با انقلاب اسلامی، شوروی هم در خط امریکا حرکت می کند و این برای امریکا پس از شکستی که ما به او تحمیل کردیم، يك پیروزیست" (رادیو رژیم برنامه روز ۲۱ دیماه)

نخست وزیر جنایتکار رژیم با عوامفریبی در صدد پنهان کردن رابطه تسلیماتی رژیم خمینی با امریکا و اسرائیل برآمد و بدین ترتیب می خواست اینگونه وانمود کند که گویا سلاحهای امریکایی که از طریق مختلف و منجمله با مسافرت ملک فارلن به ایران تحویل رژیم داده شده بدست گردانندگان سرکوبگر رژیم خمینی نرسیده، بلکه بدست دولت عراق رسیده است. از سوی دیگر نماینده رژیم خمینی در نیویورک در مقابل موضع گیری اتحاد شوروی در يك بیانیه در تاریخ ۲۱ دیماه اسامی از موضع ضعف و زبونی گفت: " در حالیکه اتحاد شوروی خود را يك حکومت مترقی می داند و علیرغم اظهارات قبلی مقامات این کشور مبنی بر اینکه نیروهای امپریالیستی علیه انقلاب پیشرو ایران محروک جنگ بودند، این کشور مواضعی موافق با امریکا و رژیم های ارتجاعی و دست نشانده منطقه اتخاذ نموده و با تهیه سلاح برای تجاوزگر در حقیقت به يك جنایتکار جنگی جهت ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران کمک کردند" (رادیو رژیم برنامه روز ۲۱ دیماه)

موضع گیری نماینده جنایتکار رژیم خمینی، نشان دهنده استیصال رژیم در رابطه با افشاء سیاست جنگ افروزان رژیم خمینی در سراسر جهان است. در این رابطه نماینده رژیم از اینکه عامل اساسی ادامه جنگ چه کسی جز خمینی جنایتکار است، حرفی نمی زند و با زست های کینه شده "ضد امپریالیستی" می گوشت تا اثرات موضع گیری مهم اتحاد شوروی را خفنی نماید. به موازات این موضع گیریها عصر روز ۲۲ دیماه سفیر خمینی در مسکو با ادوارد شواردنایزه ملاقات نمود و پس از این ملاقات اعلام نمود که وزیر امور خارجه شوروی به وی گفته است که در غرب، موضع شوروی مبنی بر بیطرفی را، بنحو غلطی منعکس نموده اند. متعاقب این ملاقات رفسنجانی جنایتکار در نماز جمعه روز ۲۶ دیماه با اشاره به این ملاقات صحبت از مغزرت خواهی شوروی از رژیم خمینی و پذیرفتن آن از طرف سران رژیم نمود. گر چه بنظر میرسد اتحاد شوروی برای خراب نکردن تمام پلها بین خود و رژیم خمینی مبادرت به يك مانور نموده است، اما اثرات موضع گیری شوروی بر مسائل مربوط به جنگ باقی خواهد ماند و مسلما شوروی نمی تواند در مقابل تمامی تحرکات امریکا در منطقه خاورمیانه و منجمله دامن زدن به جنگ ایران و عراق تا مدتها فعال نباشد.

زیرداری شده توانسته است در این منطقه وارد خاک عراق شده و با عبور از خط العرب و دریاچه های آن طرف خط، بخشی از خاک عراق را اشغال نماید. گرچه هنوز سرنوشت این نبرد معلوم نیست، ولی گزارش خبرگزاریها حاکی از آنست که رژیم خمینی در این عملیات نیز متحمل تلفات بسیار سنگینی گردیده است. هدف اولیه رژیم در این حملات گرفتن نقاطی در شرق بصره بمنظور محاصره کامل آنست. خود رژیم مدعی گردیده که جزیره بوارین در شرق بصره را به اشغال در آورده است. گزارشات منتشر شده حاکی از آنست که پدافند هوایی رژیم در این جبهه، به مدد کمکهای امریکا و اسرائیل، در سطحی بسیار بالاتر از عملیات گذشته است و رژیم توانسته است تعدادی از هلی کوپترها و هواپیماهای جدید را وارد کارزار نماید. با این وجود تلفات به شمار رژیم در این جبهه و نیز محاصره نیروهای رژیم خمینی توسط عراق سبب گردید که رژیم خمینی اقدام به يك حمله دیگر در جبهه میانی نماید. این تهاجم که در جبهه سومار انجام شد توسط رژیم بنام کربلای ۶ نامیده شده است و در آخرین ساعات روز ۲۳ دیماه آغاز شد. این تهاجم فرعی که هدف آن پراکنده نمودن نیروهای عراق بود، با شکست رژیم خمینی پایان یافت و باز هم عملیات در منطقه شلمچه متمرکز گردید. در تاریخ ۲۴ دیماه عدهای از فرماندهان سپاه طی جلسه ای که در جنوب برگزار گردید، مساله تفتینه نیرو برای این جبهه را مورد بررسی قرار دادند. در این جلسه علاوه بر محسن رفاهی، فرمانده خیانکار سپاه پاسداران و افشار قائم مقام سپاه، تعدادی دیگر از فرماندهان سپاه و منجمله رحیم صفوی جانشین فرماندهی نیروی زمینی سپاه، رشوقی فرمانده لشکر ۷ ولی نصر، قالیباف فرمانده لشکر ۵ نصر و قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا و تعدادی دیگر از سران جنایتکار سپاه شرکت داشتند. اکنون منطقه شلمچه بصورت منطقه اصلی جنگ برای رژیم خمینی در آمده است. رژیم خمینی با تجربیات مربوط به جبهه فاو می گوشت تا بهر قیمت، منطقه اشغالی را حفظ نماید. سران جنایتکار سپاه با وارد کردن هر چه بیشتر نیروهای جمع آوری شده به این جبهه می گوشت تا روحیه نیروهای خود را بهبود بخشیده و با حفظ این منطقه بهره برداری تبلیقاتی نموده و هم در جهت اشغال بصره بمتابسه اصلی ترین هدف نظامی رژیم، گامهایی بردارند. انتخاب شلمچه، بمتابسه نزدیکترین منطقه به بصره، يك انتخاب تصادفی نبوده است. در منطقه عملیاتی جنوب، رژیم بارها از نقاط مختلف به خاک عراق حمله نموده و شکست خورده است. این بار رژیم خمینی با صرف حداکثر نیرو و نیز استفاده از سلاحهای جدید از خبرداری شده، می خواهد مستقیما به جبهه شرقی بصره که ضمنا از آن حفاظت بسیار میشود، رسوخ نماید. علاوه بر جنگ در جبهه، جنگ شهرها نیز از هر دو طرف ادامه دارد. از مدتها قبل تا قبل از کربلای ۵، عراق از زدن مراکز غیر نظامی در خاک ایران خودداری میکرد. رژیم خمینی چندین بار مناطق

بقیه در صفحه ۱۰

مرگ بر جنگ مرگ بر خمینی ...

سپاهیان خمینی بود. گرچه رژیم می گوشت تا از تلفات وسیع در این عملیات خبر دقیقی انتشار نیابد، اما اجرای مراسم برای کشته شدگان این عملیات در شهرهای مختلف، نشان میداد که تلفات رژیم در عملیات موسوم به کربلای چهار، رقمی بسیار بالاست. نشریه شماره ۲۷ انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، اسامی تعدادی از سرکردگان سپاه را که در این عملیات بهلاکت رسیدند، چاپ نموده است. همچنین بر اساس اخبار منتشر شده تا کنون بخاطر کشته شدگان این عملیات در شهرهای مختلف ومنجمله شهرهای مختلف استان فارس، استان خراسان و استان اصفهان، استان گیلان و استان تهران ۵۰۰۰ مراسم متعدد عزاداری بمناسبت کشته شدگان این تهاجم ماجراجویانه، توسط گردانندگان سپاه برگزار شده است. در بین کشته شدگان تهاجم موسوم به کربلای چهار، علاوه بر اسامی ذکر شده توسط نشریه انجمن های دانشجویان مسلمان، تعداد دیگری از فرماندهان و کادراهای سپاه بشرح زیر بهلاکت رسیده اند. محسن شریفیان (خواهر زاده رفسنجانی)، حسین جلاشی پور محمد رضا یگانه، رحیم علی قاسمیور، محمد صادق علوی، سید محسن حسینی طباطبائی (کارمند وزارت سپاه)، قدرت الله سعادت، نبی الله قیامی، اسماعیل شهیدی، محمد رضا آبلوچ، علی اصغر اسدی، سید یوسف میر نصیری، محمد سعادت، نورالله سلطانی علی صالحی، رشید ساجی، عباسعلی رفاهی، رضا خداوردی، سید علی میر تاج الدینی، عباس محمدجانی و نیز تعدادی از کادراهای قرارگاه رمضان و منجمله علی رضا عامسی، ابوالفضل عابدی، محسن گوردان صراحی، داوود پاکنژاد، احسان کشاورز از فرماندهان و کادراهای گردان تخریب از لشکر ۴۳ امام علی. علاوه بر این افراد که از کادراه و فرماندهان سپاه پاسداران خمینی بودند، تعداد زیادی از جوانان ایران که به زور و بعنوان پاسدار وظیفه در گردانهای سپاه سازماندهی شده بودند در این عملیات بهلاکت رسیدند. بدین ترتیب خمینی با انجام يك ماجراجویی دیگر، تعداد زیادی از جوانان و نوجوانان کشور را قربانی نمود. در مقابل مسئول شورای ملی مقاومت پس از شکست فضاحت بار این عملیات، طی يك پیام رادیویی، آثار زیانبار این ماجراجویی رژیم خمینی و شکست مفتضحانه آنرا برای مردم ایران تشریح نمود و خواستار مبارزه تمامی مردم ایران برای صلح و آزادی گردید. بدینال این شکست رژیم خمینی به اقدام ماجراجویانه دیگری دست زد و در نخستین ساعات بامداد روز ۱۹ دیماه اسامی عملیات کربلای پنج را در منطقه شلمچه آغاز نمود. این عملیات و جنگهای متعاقب آن که از خونبارترین عملیات نظامی در جنگ ایران و عراق است تا هنگامی که این مقاله نوشته میشود (۲۷ دیماه) ادامه دارد و رژیم با صرف نیروی بسیار و با استفاده از سلاحهای جدید

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

اهداف ارتجاعی رژیم خمینی در عراق

نظامی رژیم را در دست دارد، قادر نیست بطور فعال جبههها را سازماندهی و رهبری کند. از طرف دیگر بن بست بسیج نیرو، گریبان رژیم را گرفته است. سران رژیم که ابتدا صحبت از ایجاد ۵۰۰ گردان ۳۰۰ نفری می نمودند و سپس به دروغ از تشکیل هزار گردان صحبت می کردند، یکباره از ایجاد یک لشکر صد هزار نفری صحبت به میان آوردند و این در حالی است که نیروهای موجود رژیم از لحاظ آموزش و روحیه در سطح بسیار نازل قرار دارند. علاوه بر آن تضادهای درونی رژیم که منجر به ضعف فرماندهی سیاسی- نظامی در جبههها گردیده، سبب این شده که سردمداران رژیم

کرده و گزارش امر را بوی می دهند. منتظری در ملاقات خود با ادبیات خاص جمهوری اسلامی نشان داد که قصد رژیم خمینی بلعیدن تمام عراق است. وی ابتدا گفت که ما به يك وجب خاك عراق چشمداشت نداریم ولی "برای ما اسلام مطرح است" و مردم ایران بخوبی می دانند که هر کجا که سران رژیم از "مطرح" بودن "اسلام" دم میزنند، معنی حرفشان چیست.

در ترکیب نیروهای شرکت کننده در این کنفرانس و قرارهای قبلی و نیز شکل برخورد سایر شرکت کنندگان با آخوند ارتجاعی حکیم، نشان میدهد که جمهوری اسلامی توانسته است، مهره وابسته بخود را به نیروهای شرکت کننده که اکثریت آنان از قبیل نیز سرسپرده رژیم خمینی بودند، بقبولاند و در واقع با این حرکت خمینی توانسته است برای ساختن و پختن های آینده اش، یک برگه مناسب در دست داشته باشد.

اما با توجه به اینکه امروز برای همه مردم ایران روشن است که خمینی و سردمداران رژیمش اصلا بفکر منافع مردم ایران و منطقه نیستند، پس دلائل برگزاری چنین کنفرانسی چیست و اهداف ارتجاعی رژیم خمینی در عراق کدام است.

رژیم جنگ افروزی خمینی که در بن بست جنگی غوطه ور است، میگوید تا با کمک عوامل خارجی از این بن بست خود را نجات دهد. واقعیت اینست که علیرغم هیاوههای گوشخراش سردمداران رژیم، منبسی بر بسیج نیرو و بالا رفتن قدرت رژیم نیروهای نظامی، رژیم درگیر آنچنان تناقضاتی است که مدتها قادر به حرکت قابل توجهی در جبههها نشده است. تضادهای بیشمار در بالاترین سطح رژیم، بطور تصاعدی در درون نیروهای نظامی رژیم منعکس میشود. تضادهایی که منجر به برکناری مزدوری همچون میاد شیرازی از فرماندهی نیروی زمینی و سپس دستگیری وی گردید، تضادهایی که منجر به برکناری بسیاری از فرماندهان لشکرهای ارتش گردید، تضادهایی که منجر به دستگیری بسیاری از سران ارتش گردید، جنگلی نشان دهنده بحران هایی است که در درون نیروهای نظامی رژیم جریان دارد. واقعیت اینست که سپاه پاسداران خمینی که امروز ابتکار تمامی تحرکات و برنامه های

بود. در شروع کار کنفرانس از طرف رژیم خمینی کربوبی نایب رئیس مجلس، مهدوی کنی، جنتی و سرهنگ سپهاری رئیس ستاد ارتش شرکت داشتند. خامنه ای در سخنرانی خود گفت، " ما نمی توانیم به آینده عراق بی تفاوت باشیم" (رادیو رژیم- برنامه اخبار روز ۶۵/۱۰/۳)

کپهان
شکفته ۲۵ آبان ۱۳۶۵ -
۱۳ رجب الاول ۱۴۰۷ - شماره ۱۲۸۸۲

کنفرانسی با شرکت کلیه شخصیتها و نیروهای مبارز عراقی در تهران تشکیل می شود

تهران: برگزاری جمهوری اسلامی: به ابتکار جمهوری اسلامی ایران کنفرانسی تحت عنوان «مهره الفی عراقی» برای مردم عراق با شرکت کلیه نیروهای مبارز عراقی در تهران تشکیل خواهد شد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی یک مقام کاد. در ستاد تبلیغات جنگ اعلام کرد: شرایط سیاسی - نظامی و جنگی خمینی به مرحله ای رسیده است که ایجاب میکند نیروهای مبارز ملتان عراقی پیش از پیش مهاجرت و متحد شده و فعالیت های سیاسی نظامی خود را در راستای سرنگونی رژیم عراق گسترش دهند. همچنین منظور از

وی در پایان خاطر نشان کرد که هیچ دروز متصادم برگزاری این کنفرانسی در حضور مقام مجرم ریاست جمهوری اسلامی ایران تشکیل گزاری از برنامه های این کنفرانسی حضور مستحکم اسلام والصلین خامنه ای ارائه شد.

کپهان
شکفته ۲۰ آبان ۱۳۶۵ -
۸ رجب الاول ۱۴۰۷ - شماره ۱۲۸۸۲

ادریس بارزانی و حجت الاسلام حکیم بوسر ادامه همه جانبه مبارزه تاسر تکونی رژیم صدام توافقی تاکید کردند

امروز صلیانی که بین وی و جلال طالبانی و با همکاری مسئولان جمهوری اسلامی ایران بوسر آمده است اشاره کرد و اظهار امیدواری کرد که با گسترش مبارزات مهاجرتی کلیه گروه های مخالف عراقی مردم عراق هرچه زودتر به پیروزی رسیده و رژیم صدام سرنگون شود. بارزانی در تشریح اوضاع عراق و مبارزات مردمی صدامت مزدوران صدام که بواسطه عدم حمایت مردمی از آنها بوسر آمده است افسردگی و اندوه که وحدت گدازد و نیز نیروهای مخالف رژیم عراق مردم آن کشور را پیش از قتل تنبیه به قیام خواهد کرد.

خاطر نشان می آید ادریس بارزانی شب گذشته نیز با طالبانی جلال طالبانی ملاقات متراکم با حجت الاسلام سید محمد حکیم داشت. در این مذاکرات سه جانبه در مورد نحوه همکاری گروه های مخالف رژیم صدامت بپردازند در گسترش مبارزاتش پیروزی نهائی شد عراقی و تبادل نظر شد.

ادریس بارزانی مسئول حزب دمکرات کردستان عراق امروز در تهران با حجت الاسلام سید محمدیاد حکیم رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق دیدار کردند. در این دیدار نحوه همکاری و همکاری های بیشتر میان این دو گروه مخالف رژیم عراق برای مبارزه گسترده تر با حاکمان صدامت مورد گفتگو قرار گرفت و دو طرف بر سر ادامه همه جانبه مبارزه با سرنگونی رژیم صدام توافقی تاکید کردند.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ادریس بارزانی در پایان این ملاقات در گفتگو شین تمهید از مرحوم آیت الله سید محمد حکیم و خانواده وی که چهاره روایا عرب و نزدیک با مبارزین مخالف رژیم عراق داشته اند، حرف از این دیدار و نیز ملاقات خود با جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق را بپردازد همکاری و هماهنگی بیشتر میان همه احزاب و گروه های مخالف رژیم صدامت داشت. وی همچنین به توافق در

از اینکه اصالت در جنگ "پیروزی" کامل بدست خواهند آورد و اصالت "تعمین کننده" است، دیگر صحبتی نکنند و در مقابل برای نجات از بن بست جنگ، بفکر استفاده از عوامل خارجی بیفتند. چراغ سبزی رفسنجانی به آمریکا، مبنی بر تأیید یک کودتای امریکایی در عراق، صحبت های نخست وزیر جنابینکار خمینی مبنی بر، ضربه تعیین کننده هنگام آماده بودن شرایط بین المللی و منطقه ای، با اضافه تحرکات رژیم در رابطه با جریانات مخالف دولت عراق، نشان

کپهان
شکفته ۲۷ آبان ۱۳۶۵ -
۱۵ رجب الاول ۱۴۰۷ - شماره ۱۲۸۸۸

ستاد کمیته جنگهای روانی نیز با اشاره به موقعیت سیاسی نظامی شمال عراق و لزوم توجه بیشتر مسئولان و وزنه گان اسلام به غرب کشور گفت: تا به حال توجه زیادی به غرب کشور با شمال عراق نشود بیشتر توجهات مطلوب همسایر نقاط جبهه های جنگ تعیینی بوسر است. این آیت الله به مراسم نیرو و فرمانان روحانی و غیره بود. بطوریکه آنها بیشتر جبهه های جنوبی را بنظر موفقیات ترجیح میدهند. در حالیکه غرب کشور را منطقه ای است که به کار سیاسی - فرهنگی نیاز دارد و استعداد کاربرده زمینه را دارد. با توجه به اینکه فعالیت های نظامی در این منطقه میتواند عامل موثری در برهم زدن آرایش نظامی ارتش عراق باشد. نوع ویژگی مسئله طوری است که میتواند لشکرهای نیروهای عراقی باشد.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران

اخبار کوتاه

بقیه از صفحه ۱۲

خمینی کوشش بسیار نموده تا از شرکت سوریه، یمن جنوبی، امارات متحده عربی، پاکستان و ترکیه و چند کشور دیگر در کنفرانس جلوگیری نماید و به اصطلاح کنفرانس را تحریم نماید. اما تا کنون تمامی این کشورها برای شرکت در کنفرانس سران کشورهای اسلامی که در کویت برگزار خواهد شد، اعلام آمادگی نموده‌اند.

*

سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام نمود که رزمندگان مجاهد خلق، طی یک تهاجم سریع و قهرمانانه، حسین قانع گلپای، معروف به جلاذ خراسان، رئیس کل زندانهای مشهد، مهمترین عضو شورای عالی سپاه پاسداران رژیم خمینی در خراسان و بازجوی سفارت زندانیان سیاسی در مشهد را، در پاسخ به تیرباران ۴۰ زندانی سیاسی که اخیرا در حال اعتصاب غذا در زندان اوین بدست دژخیمان خمینی بشهادت رسیدند را اعدام انقلابی نمودند. این عملیات در ساعت ۸ شب جمعه ۱۲ دیماه در خیابان احمد آباد مشهد و در مقابل خانه مسکونی این جلاذ جنایتکار صورت گرفته است.

*

سه تن از افرادی که در خدمت سیاستهای ضد خلقی رژیم قرار داشتند با اظهار ندامت از اعمال گذشته خویش و با ترک صفوف نیروهای رژیم، خود را به پیشمرگان شاخه یک نیروی آگری معرفی کردند. اساسی این سه تن عبارتند از: ۱- قاسم امینی که مدت پانزده ماه در پایگاه لاجان سرباز بوده است. ۲- شریف عثمانی که ۲ سال در گروه به اصطلاح خدمت "زاراوی" به واپسگرایان خدمت می‌کرد. ۳- عصمت نقشینی که در سه راهی رازان مرگور به رژیم ضد خلقی آخوندی خدمت می‌کرده. هر سه تن، سلاح و تجهیزات جنگی انفرادی را همراه خود آورده‌اند.

(نقل از صدای کردستان ۶۵/۹/۲۰)

*

مهاباد - مزدوران رژیم در منطقه گورک ۲ مهاباد به روستای گلوان علیا می‌روند و به ایجاد مزاحمت برای مردم روستا می‌پردازند. مزدوران در ضمن این کار راه را بر یکی از زحمتکشان میدفاع گرفته از وی میخواهند که سلاح خود را تحویل دهد و سپس به این بهانه وی را به پایگاهشان می‌برند. زنان و دختران انقلابی روستا، به محض مشاهده این عمل ضد انسانی بکپارچه و در صفوف متحد دست به تظاهرات می‌زنند و بسا راهپیمایی بسوی پایگاه دشمن به شعار دادن می‌پردازند. مزدوران ضد خلقی که در برابر اراده پولادین مردم و اتحاد و انسجام اهالی به وحشت افتاده بودند، جهت خاتمه دادن به تظاهرات مردم که لحظه به لحظه گسترده تر می‌شد، مزرورانه به التماس و غرضخواهی افتاده بودند و سرانجام در برابر اراده متحد خلق ناچار به تسلیم شده و فرد دستگیر گسره را آزاد نمودند.

همچنین نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در پایگاه‌هایشان در منطقه مهاباد با کمبود شدید آذوقه و سوخت روبرو هستند و این نشان می‌دهد که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی علیرغم تخمین تمام امکانات کشور به جنگه باز هم قادر به تدارک نیروهای مزدور و نیست و در نتیجه برای نجات از گرسنگی بر فشار خود بر اهالی زحمتکش روستاهای کردستان که آنان نیز در نتیجه سیاستهای ضد مردمی رژیم در فقر و فلاکت بسر می‌برند، افزوده‌اند. برای نمونه جاشپا و پاسداران مستقر در پایگاه روستای "بی هنگویسن" واقع در منطقه منگوران مهاباد، اهالی این روستا را زیر فشار قرار داده‌اند تا خورد و خوراکشان را تامین نمایند. مزدوران به اهالی میدفاع ابلاغ کرده‌اند که شما هفت سال است زندگی پیشمرگان را تامین می‌کنید امسال هم بایستی مایحتاج ما را تامین نمایید. (نقل از صدای کردستان. ۶۵/۱۰/۲۵)

*

به مناسبت ۱۸ دسامبر روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین، مراسمی از طرف نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در مادرید پایتخت اسپانیا برگزار گردید. در این مراسم رفقای سازمان در اسپانیا شرکت نموده و همبستگی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) با خلق فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین را اعلام نمودند. بدین مناسبت از طرف سازمان پیمایش به این مراسم داده شد. در این پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) همبستگی عمیق خود را با مبارزه قهرمانانه "ساف" بمثابه تنها نماینده مشروع خلق فلسطین اعلام نموده و همچنین کشتار مبارزان فلسطینی در لبنان را شدیداً محکوم نموده است. شرکت رفقای سازمان در این مراسم با استقبال گرم گردانندگان مراسم روبرو شد.

*

انفجار مرکز بزرگ سپاه پاسداران در تهران در این انفجار بیش از ۵۰۰ تن از فرماندهان، مسئولان و اعضای سپاه کشته و مجروح شدند.

پادگانی که دیروز در تهران منفجر شد مرکز تدارکاتی و تسلیحاتی سپاه پاسداران خمینی بود که در چارچوب جنگ افروزی و تروریسم داخلی این رژیم مستقیماً تحت مسئولیت و فرماندهی رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران خمینی قرار داشت. این پادگان بنام بهشتی معدوم (مرد شماره ۲ رژیم خمینی) نامگذاری شده و بسیاری از محموله‌های تسلیحاتی از فرودگاه تهران و بنادر مختلف کشور مستقیماً به آنجا منتقل می‌گردید تا بعداً توزیع شود. در این پادگان کارگاهها و آزمایشگاههای متعددی وجود داشت که در آنها بر روی مواد انفجاری کار می‌شد.

در انفجار سهیب دیروز که ضربه استراتژیک و مهمی به رژیم خمینی وارد آورد، بیش از ۵۰۰ تن از مهره‌های جنگ افروز و سرکوبگر رژیم کشته و مجروح شدند. در میان این تلفات تعداد زیادی از فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران خمینی وجود داشت. اساسی

برخی از آنها بقرار زیر است:

شوکت علی اکبر - عبدالله تیموری - عباس حسینی اسماعیل آفاق - مجتبی کریمی - مجتبی تهرانی - سید حسن موسوی - حسن دهلوی - رحیم قاسم - سعید حسین اکرمی - مصطفی رضایی - محمد رضا انارکسی - محسن مومنی - محمود صادقی

مجاهدین خلق ایران - بغداد

۲۸ / دسامبر / ۸۶

*

آتش سوزی مهیب در بزرگترین پادگان سپاه پاسداران در قلب تهران

بر اساس گزارشات موثق رسیده از ایسرا ن روز گذشته (۲۹ دسامبر) ساعت ۳ بعد از ظهر به وقت محلی (۱۱ به وقت گرینویچ) بزرگترین پادگان سپاه پاسداران بنام ولی عصر (عشر آباد) واقع در مرکز تهران، توسط سربازان و پرسنل ملی و مردمی در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه و جنگ افروزانه رژیم خمینی به آتش کشیده شد. در این آتش سوزی عظیم که ساعتها ادامه داشت ساختمان مرکزی سپاه در این پادگان منهدم و به ساختمانهای دیگر خسارات جدی وارد شد و مقادیر زیادی سلاح و مهمات از بیسن رفت و تعداد زیادی از پاسداران مجروح شدند. فقط ۳ ساعت بعد از شروع، انبوه آتش نشانان توانستند آتش را مهار نموده و از سرایت آن به اطراف جلوگیری نمایند. پاسداران تا آخرین ساعت دیشب برای جلوگیری از درز خیم مزیور از هر گونه عمیور و مرور در خیابانهای اطراف جلوگیری می‌نمودند.

پادگان ولی عصر همچنین بزرگترین مرکز انحراف اجباری سپاه به جنگ می‌باشد و کسانی را که در اختیار آنها برای اعزام به جبهه دستگیر می‌کنند به این پادگان منتقل می‌نمایند. در میان مجروحین برخی از مسئولین سربازگیری اجباری نیز وجود دارد.

این اقدام بدنبال شکست رژیم خمینی در تهاجم اخیر که ۲۵۰۰۰ تن از اتباع ایران را به کشتن داده، صورت گرفت. یادآوری می‌شود که شنبه گذشته (۲۷ دسامبر) طی انفجاری در مهمترین مرکز تدارکاتی و تسلیحاتی پاسداران در تهران انفجاری روی داد که حداقل ۵۰۰ نفر از پاسداران سرکوبگر و جنگ افروز خمینی که گروهی از فرماندهان و مسئولین سپاه را نیز شامل می‌شد، کشته و زخمی شدند. دفتر مجاهدین خلق ایران - پاریس

۲۰ / دسامبر / ۸۶

*

پس از آنکه دولت ایتالیا، به یک هموطن ایرانی که از یک کشتی در بندر ایتالیایی جنوا خواستار پناهندگی بود، جواب رد داد و کشتی بسوی ایران حرکت نمود، آقای رضا اولیا، مجسمه ساز و هنرمند برجسته ایران و مسئول مرکز اطلاعات روشنگران و هنرمندان مترقی ایرانی بعنوان اعتراض به این اقدام ضد انسانی، به اعتصاب غذا دست زد. این اعتصاب غذا از تاریخ سوم دیماه امسال در سالن شورای شهرداری فیانورامانو شروع شد و تمامی مطبوعات و رادیو تلویزیون های ایتالیا آنرا منعکس نمودند. بقیه در صفحه ۹

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

اعمال ارتجاعی رژیم خمینی در عراق

بقیه از صفحه ۲

می‌دهد که رژیم درمانده خمینی می‌خواهد ساله جنگ را با کمک عوامل خارج از خود، حل نماید. رژیم خمینی که بعلمت ماهیتش قادر به انجام صلح نیست و صلح را شکست سیاسی خود می‌داند، و از طرف دیگر قادر به انجام هیچگونه عمل نظامی که بتواند تعادل جنگ را تغییر دهد، نیست، درصدد توطئه چینی برای تحقق امیال خود در عراق افتاده است. خمینی برای تحقق سیاست پان‌اسلامیستی اش، عراق را در مرحله اول انتخاب کرد و اینگونه فکر می‌کرد که عراق مناسبترین نقطه برای صدور "انقلاب اسلامی" است. متقابلاً عراق بر اثر ارزیابی غلط از اوضاع داخلی ایران و اوضاع بین المللی اقدام به شروع جنگ و حمله به ایران نمود و دست رژیم خمینی را که دستها در تدارک

را پا در خود حل کند و با سرکوب نماید. در اینجا خمینی برای پیاده کردن نقشه خود، از مدتها قبل در جهت بدست آوردن بخش هایی از شمال عراق بود. از عملیات والفجر ۲ تا کنون این نقشه را خمینی دنبال می‌کند. نقشه نظامی رژیم آنست که عمدتاً از منطقه حاج عمران و کلبه شین در شمالی ترین قسمت عراق در مرزهای جنوبی ترکیه تا مرز سوریه را در دست گیرد، تا اولاً صدور نفت عراق از راه ترانزیت ترکیه را متوقف کند و در ثانی با اعلام یک منطقه آزاد شده وسیع که با چند کشور هم مرز است، دولت حکیم را رسماً اعلام نماید و بدینوسیله بنوعی عوامل فشار را بر غرب برای انجام یک کودتا در عراق فراهم آورد. خمینی بخوبی میداند که نیروهای وابسته به او قادر به کسب قدرت در عراق نیستند و بنا بر این در صدد است که ابتدا با کمک امریکا و از طریق فشار بر عربستان و کویت یک حکومت دیگر در عراق روی کار بیاورد

یکشنبه ۱۸ آبان ماه ۱۳۶۵

عراق - سرگزاری

جمهوری اسلامی
جلال طالبانی دبیر کل
اتحادیه میهنی کردستان عراق
شیر گشته باجست الاسلام حکیم
رئیس مجلس انقلابی انقلاب
اسلامی عراق دینار و گشتو
کرد.

سای جمهوری اسلامی ایران
اعلام کرد: در این ملاقات که
چند تن از اعضای اتحادیه
میهنی کردستان عراق و مجلس

اعلای انقلاب اسلامی عراق نیز
حضور داشتند. ابتدا طالبانی
شنن تشدید از نقش مرحوم
آیت الله العظمی حکیم در جهت
اسعاد رابطه نزدیک و محبت
بین مسلمانان عراق مستقیم
حیات از مردم مسلمان کرد
ملاقات با حجت الاسلام حکیم
را برای خود بسیار با اهمیت
و با ارزش قلمت.
طالبانی آنکه دربار مشترک
برو حای رزمندگ کرد در
مجلس هیات پیروزمندان فتح

یک دو اظهار داشت: در حال حاضر
این عملیات با هماهنگی کامل
نیرو های رژیم جمهوری اسلامی
و افراد مسلمان و شنه دیده
شال عراق انجام گرفت. رژیم
بش عراق شربه سخت و مملکت
را محصل شد.

رئیس مجلس انقلابی اسلام
رئیس مجلس انقلابی اسلام
اسلامی عراق با اشاره به پیروزی
های بزرگ رزمندگان اسلام
در سلسله عملیات فتح یک و

دو اظهار داشت: در حال حاضر
شرورت شرکت کلبه نیرو های
مخالف رژیم صدام مخصوص
حما و روحانیون و دیگر اقاتار
سته دیده عراق پیش از حرمون
دیگر اساس می‌خورد.
وی افزود: امروز منطقه
شمال عراق بعنوان منطقه آزاد
برای اتحاد کلبه نیرو های
مخالف رژیم صدام است چراکه
امروز رژیم صحنی و وابسته
عراق پیش از هر زمان دیگر
مجاز و مصطب است و ما

نمایشی فرست را از دست
بسیج
همین گزارش حاکمیت
طالبانی دبیر کل اتحادیه میهنی
کردستان عراق در پایان اظهار
داشت: ما امروز مشترک هستیم
که با حکم اسلام با ارضی است
عراق مبارزه می‌کنیم.
وی افزود: با توجه داریم
که نظام اسلامی اهتمام بیشتری
نست به مردم مستضعف کرد
عراق داشته باشد تا بدین وسیله
قسط از ظلمانی که در گذشته

۱۸ آبان ۶۵

کمیته

چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۳۶۵ - ۱۶ رجب الاول ۱۴۰۷ - شماره ۱۲۸۸۹

کمیته

دو گروه عمده مخالف رژیم
عراق برای ایجاد صاهنگی و
گسترش مبارزات خود علیه
رژیم عراق به توافق دست یافتند.
به گزارش خبرگزاری
جمهوری اسلامی مسولان حزب
دمکرات کردستان عراق
اتحادیه میهنی کردستان عراق
اخیراً در جمعی که به پایتخت
جمهوری اسلامی ایران در
تهران برگزار شد، به این
توافق دست یافتند. در این
نست که با حضور نمایندگان
جمهوری اسلامی ایران برگزار
شد. از سوی حزب دمکرات
کردستان عراق ادریس بارزانی
و از سوی اتحادیه میهنی
کردستان عراق جلال طالبانی
شرکت داشتند. در این جلسه
حجت بیج کلبه امکانات
ایمن و نیروی
مخالف رژیم عراق در راستای
سرتگونی نظام صحنی صدام
گسترش مبارزات ترکیه مناطق
شمال عراق توافق امولن به
هل آمدند. متذکر می‌شود
مسولان این دو گروه مخالف
عراق پس از صلوات انعامی
موقتاً آمیز اخیر به تهران

رویس سیاسی - حجت
الاسلام احمد سالک مشول
برگزاری ستاد کنفرانس
معارضین عراقی پیش از ظهر
دیروز در یک صاحب مطبوعاتی
و رادیو تلویزیونی اعلام کرد
که این کنفرانس با حضور کلبه
نیرو های مخالف رژیم عراق
و همچنین نمایندگان از کشور
های سوریه و لیبی و ایتالیا دیده
جاری در تهران آغاز یکسار
می‌گردد.

حجت الاسلام سالک در جلسه
به پیش خبرنگار ما دربار
حکونگی حضور نمایندگن
کنور های مترق عرب در
کنفرانس مورد اشاره گفت:
ضمیم است که ما با کنور
های سوریه و لیبی برای
صلابت در این کنفرانس
هماهنگی حای لازم را بعمل
آورده و آنها نظرات خود را
ببراهون مایل بوده بحثاراک
خراشد داد.

حجت الاسلام سالک افزود:
جمهوری اسلامی ایران علاوه
بر مبارزات از کنفرانس خود
بخوان یک مبارز در کنفرانس
شرکت دارد و نظرات خود را
ارائه خواهد کرد.

نیروهای سپاه وابسته به قرارگاه رمضان در خاک کردستان عراق، هرگز نمی‌تواند دست آورد نظامی قابل توجه برای کردهای مخالف دولت عراق داشته باشد. ما قبلاً در مورد عملیات فتح یک گفتیم که این عملیات افلاس رژیم خمینی را بنمایش گذاشت، عملیات فتح ۲۰۲، بیشتر به یک نمایش نظامی که در حد عملیات پارتیزانی کوچک بود، شباهت داشت. اما بهر حال خمینی برای پیاده کردن سیاست ارتجاعی پان‌اسلامیستی اش و برای صدور ارتجاعش، بهمانگونه که از بازرگانها، بنی صدها و قطب زادهها استفاده کرد حاضر است در ابتدا از "قیاده موقت" و "اتحادیه میهنی" استفاده کند. البته وی بنا بر تجربه گذشته اینانرا ابتدا به زیر قیای ولایت فقیه طبعاً از کانال آخوندی ارتجاعی مثل حکیم می‌کشد و سپس به آسان کمک‌های قابل کنترلی می‌نماید تا بتواند با ساخت و پاخت های بین المللی و از طریق "الترناتیو" سازی ابتدا حکومت عراق را سرتگون کند و سپس با توجه به قدرتی که پس از این واقعه پیدا خواهد کرد و به کمک عوامل و گروههای وابسته به "ولایت فقیه" در عراق مثل، حزب الدعوه، عمل اسلامی، حرکت سرتگونی مجاهدین برای برپایی جمهوری اسلامی در عراق و... حاکمیتی ارتجاعی از نوع حاکمیت ولایت فقیه در عراق را استقرار بخشد و سپس دو گروه کرد عراقی

توطئه چینی بود، کاملاً باز گذاشت و خمینی از این فرصت پیش آمده، کاملاً استفاده نمود و با ادامه جنگ، توطئه‌های قبلی اش را تکمیل نمود. خمینی جنگ را پس از خارج شدن نیروهای عراق از خاک ایران، همچنان ادامه می‌دهد، زیرا او خواستار ایجاد یک "حکومت اسلامی" از نوع "جمهوری اسلامی" خودش در عراق می‌باشد. اما برای اینکه در ابتدا بتواند از تمامی تضادهای منطقه‌ای و بین المللی استفاده کند مدعی میشود که نمی‌خواهد خود در عراق حکومت کند بلکه خواستار سرتگونی حزب بعث است. اما دخالتهای رژیم در مسائل داخلی عراق چیزی نیست که از چشم‌ها پنهان باشد. کافیت حوادثی که طی چند ماه گذشته در رابطه با نیروهای مخالف دولت عراق و رژیم خمینی پیش آمده مرور کنیم. قبل از تشکیل کنفرانس مسولین دو گروه کرد عراقی با آخوند ارتجاعی حکیم، پیرامون مفاد اصلی قراردادی این کنفرانس به توافق رسیده‌اند. جلال طالبانی در ملاقات با آخوند حکیم، می‌گوید که ما اکنون افتخار می‌کنیم که با حکم اسلام می‌جنگیم، وی پس از ملاقات با دشمن دبیرش "ادریس بارزانی" از هماهنگی نظامی در کردستان عراق صحبت می‌کند و همزمان با این دیدو باز دیدها، تعدادی پاسدار به مناطق تحت نفوذ "اتحادیه میهنی" و "قیاده موقت"

اهداف ارتجاعی رژیم خمینی در عراق

و سپس با استفاده از شرایط مساعد، نیروهای ولایت فقیه‌ی را در عراق حاکم گردانند. این نقشه خمینی است که برای پیاده کردن آن تحرکاتی را در سطح منطقه نیز آغاز نموده است. برای اینکار باید خمینی اینگونه وانمود کند که نمی‌خواهد خود در عراق حکومت کند و با اصطلاح کاری به عراقیها ندارد و فقط دشمن حزب بعث است. در اینجاست که مسالسه کنفرانس نیروهای عراقی در تهران بعنوان دستاویز این سیاست بکار گرفته میشود و همزمان با آن سران جمهوری اسلامی اعلام میکنند که، تشکیل این کنفرانس سوء تفاهمی است که ممکن است سوریه و لیبی در مورد اهداف جمهوری اسلامی ایران در عراق داشته باشند مرتفع میسازد زیرا جمهوری اسلامی می‌خواهد کار عراقیها را بخودشان واگذار کند. این دروغ بزرگ خمینی که طبعاً بسیار روشن است و تنها می‌تواند برای کسانیکه تاکنون خمینی را نشناخته‌اند کارساز باشد، مسلماً نمی‌تواند کشورهای عربی در خاورمیانه را بفریبند. بخصوص سوریه را که خود ادعاهایی در مورد عراق دارد. اما بهر حال خمینی مسیر خود را ادامه می‌دهد. در اینجا نیز دم خروس پیدا است. زیرا اولاً این کنفرانس زیر نظر علی خامنه‌ای تشکیل میشود و در ثانی قبل از تشکیل کنفرانس مطبوعات رژیم اعلام نمودند که همه شرکت کنندگان و منجمله آقای طالبانی اعلام نمودند که جنبش عراق ماهیت اسلامی دارد و حکومت آینده عراق از این ماهیت برخوردار است، و بنابر این روشن میشود که خمینی گر چه

اما از طرف دیگر وظیفه ما در قبال مردم سراسر منطقه خاورمیانه است که با شناختی که از رژیم خمینی و اهداف ارتجاعی آن در منطقه داریم، چهره واقعی این رژیم را برای مردم سراسر جهان و مردم



کشورهای خاورمیانه روشن نماییم. زیرا اتکا به این رژیم ارتجاعی و توسعه طلب را بسود هیچکدام از خلقهای خاورمیانه نمی‌دانیم. باشاه این رژیم بی ثبات و بی آینده که در سراسر منطقه سقوط قرار گرفته هرگز حتی برای منافع کوتاه مدت و تاکتیکی نیز قابل اتکا نیست. امروز رژیم خمینی آبرو باخته تر از آنست که کسی با ریسمان آن حتی به چاه برود. مگر کسانیکه از ابتدا مطلقاً بفکر خود کشی باشند. از طرف دیگر، اینکه شرکت کنندگان در کنفرانس در مقابل مبارزه بر حاشی و عادلانه مردم ایران علیه رژیم خمینی موضع گرفته و این مبارزه عادلانه را " اقدام علیه کل جنبش مبارزاتی " دانسته‌اند، بک دخالت آشکار در اوضاع داخلی ایران و بک موضع گیری بنفع رژیم خمینی و بضرر مردم سراسر ایران است. این موضع آشکارا خمینی پسند، از نظر ما و مسلماً تمام نیروهای مترقی محکوم است.



می‌خواهد خود را ظاهراً بی طرف در امور داخلی عراق نشان دهد، اما عمیقاً خواستار استقرار یک حکومت وابسته بخود، حکومتی از نوع " جمهوری اسلامی " حاکم بر ایران با ایدئولوژی ولایت فقیه است. بنظر ما این نقشه به دلایل مختلف برای خمینی پیروزی ندارد. اولاً مردم عراق و بخصوص کردهای عراق که شاهد وحشی گری خمینی در ایران هستند، هرگز فریب خمینی و نیروهای وابسته به او را نمی‌خورند. ثانیاً سوریه که بخوبی از اهداف خمینی باخبر است، می‌داند که تسلط خمینی بر عراق، تهدیدی جدیست برای سوریه. این واقعیتی است انکار ناپذیر که همکاری سوریه و ایران نه بعلت نزدیکیهای سیاسی، ایدئولوژییک دو حکومت، بلکه بعلت تضاد ایسن دو حکومت با دولت عراق است. بنابر این سوریه بخوبی می‌داند که خمینی پیروز بر عراق، از غرب تنها محیترانه پیش خواهد رفت. ثالثاً تعادل نیرو بیسن عراق و رژیم خمینی از یک طرف و بین عراق و مخالفینش از طرف دیگر بنحوی نیست که این نیروها بشکلی بتوانند این حکومت را در چشم اندازی که خمینی تصور میکنند (یعنی قبل از سقوط خودشان) ساقط کنند.

رابعاً اتحاد شوروی و بسیاری از کشورهای وابسته به آمریکا در منطقه، هر کدام از زاویه‌های مخالف جنبش امری هستند. زیرا آنان می‌دانند که تا خمینی هست جنگ حتی پس از شکست نظامی عراق هم ادامه خواهد داشت. آنان می‌دانند که خمینی در رویای بساطک امپراطوریست. خامساً کشورهای عربی خاورمیانه، حتی در رهاست آمریکا با طرح خمینی، با این حرکت مخالفت جدی می‌کنند. وقتی فروش اسلحه از طرف آمریکا به ایران، تا این حد خشم دولتهای وابسته به غرب در خاورمیانه را برانگیخت که رسماً آنرا تکیح کردند توافق آمریکا با نقشه خمینی در عراق، مسلماً ضربه خرد کننده‌ای به رابطه آمریکا با این کشورها خواهد بود. علاوه بر این موقعیت دولت عراق در رابطه با کشورهای آمریکا و شوروی، بشکلی نیست که ایسن دولتها بتوانند هر گونه که می‌خواهند حرکت کنند. و مهمتر از همه اینکه وقتی رژیم خمینی در مورد مسائل ایران در افلاس و درماندگی بسر می‌برد، وقتی نشادهای درونی رژیمش آنقدر شدت و حدت گرفته که جزئی ترین مخالفت، حتی در درون هرم ولایت فقیه را تحمل نمی‌کند، وقتی مبارزه مردم برای صلح و آزادی در جامعه شدت گرفته و رژیم قادر به خاموشی مردم نیست، وقتی رژیم در آنچنان شرایط بحرانی بسر می‌برد که حتی کمک آمریکا نیز نمی‌تواند برای رژیم کارساز باشد، چگونه این رژیم خواهد توانست اهداف ارتجاعی اش را حتی با توافق اسراشکسل و آمریکا، در کشور عراق پیاده کند. تا آنجا که مربوط به منافع مبارزه مردم ایران علیه رژیم خمینی است و تا آنجا که مربوط به منافع نیروهای انقلابی مقاومت است، سیاست ما عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورهاست. اینکه نیروهای مخالف دولت عراق خواستار چه حکومتی هستند، بخود آنان مربوط است



پیروز یاد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری

بن بست بسیج نیرو و ♦♦♦

بقیه از صفحه ۱

که از پناهندگان عراقی است و زیر نظر سپاه قرار دارد، در این عملیات کاملاً متلاشی شد. کشته شدگان این تیپ آنقدر زیاد بود، که رژیم چنبد روز برای آنان در شهرهای مختلف مراسم برگزار نمود. آخوند حکیم به سران رژیم و بخصوص به منتظری در این رابطه پیام فرستاد و منتظری متقابلاً برای او این مساله نشان می‌دهد که تعداد کشته شدگان در این عملیات، آنقدر زیاد بوده که رژیم برای بالابردن روحیه آنان مجبور به اینگونه حرکات شده است و از طرف دیگر برای اینکه به نیروهای خود روحیه داده و خود را ضربه ناپذیر نشان دهد، اقدام به عملیات فضاخت بار " فتح " نموده است، عملیاتی که بیش از هر چیز افلاک رژیم خمینی را نشان میدهد. بهر حال در عملیاتیهای موسوم به گریلا، سپاه متحمل ضربات سنگینی شد که به بخش ناچیز آن در زیر اشکباره می‌کنیم:

۱- بهلاکت رسیدن محمود کاوه، فرمانده تیپ ویژه به اصطلاح شهدا. این تیپ از کیفی ترین تیپ های سپاه است که بخصوص در عملیات سرکوبگرانه در کردستان نقش مهمی داشته است. سرسباری از فرماندهان قبلی این تیپ در کردستان ایران به هلاکت رسیدند. بطور مثال ناصر کاظمی یکی از فرماندهان این تیپ در عملیات اشغال جاده بیرانشهر سردشت، بهلاکت رسید. محمود کاوه، پس از کشته شدن ناصر کاظمی، گنجی زاده، هندی زاده، بدیعسی نژاد و بروجردی که چمگلی از فرماندهان و معاونین فرمانده این تیپ بودند، به فرماندهی تیپ ویژه سپاه گمارده شد. وی تا قبل از بهلاکت رسیدن بروجردی معاون این تیپ بود. محمود کاوه از

پاسداران مورد اعتماد رژیم بود. وی در ابتدا، یکی از محافظین خانه خمینی جلازاده بوده و در بیشتر عملیات سرکوبگرانه در کردستان شرکت داشته است. در جریان اشغال شهر سقر، وی فرمانده عملیات نیروهای سرکوبگر رژیم در این شهر بود.

۲- محمد جعفر ذاکر از فرماندهان ورزیده سپاه چپلی خمینی، وی قائم مقام ستاد منطقه يك نازلله (منطقه تهران و حومه) بود. این پاسدار خمینی نیز در عملیات متعدد برای سرکوب خلق کرد، شرکت فعال داشته و از فعالین سپاه در رابطه با سرکوب نیروهای انقلابی در تهران بوده است. پست های قبلی وی مسئول اطلاعات سپاه در آذربایجان شرقی، مسئول نشریات سپاه، مسئول تبلیغات سپاه در جبهه ها، معاونت خرید و تدارکات مرکزی سپاه بوده است.

۳- بهرام دهقان، از فرماندهان سپاه و مسئول پرسنلی سپاه خمینی در منطقه يك نازلله، وی از عناصر سرکوبگر رژیم در شهر اصفهان بوده و بعلمت خوش خدمتی به خمینی در سرکوب نیروهای انقلابی، ارتقا یافته و به تهران منتقل شده بود.

۴- ناصر خاشمی از فرماندهان سپاه و یکی از مسئولین گردان جندالله سقز که در سرکوب خلق کرد، شرکت فعال داشته است.

۵- محمد نوری از فرماندهان سپاه و عضو بخش اطلاعات لشکر موسوم به سیدالشهدا و مهدی شریفی پور مسئول بهداری این لشکر

۶- سید علی ابنابلقه از مسئولین رده بالای سپاه سرکوبگر خمینی بوده و آخرین سمت او، مسئول پشتیبانی سپاه شهریار از منطقه يك نازلله بود.

۷- مهدی عاصی تهرانی - فرمانده عملیات - مسئول رزمی جهاد عضو شورای مرکزی جهاد شهرستان ورامین و شهر ری

۸- علی اکبر همتی مقدم، از فالانزهای معروف رژیم بوده که نقش زیادی در ارگانهای سرکوبگر و جنگ افروز رژیم داشته و آخرین سمت وی، مسئول کمیته جنگ به اصطلاح جهاد دانشگاهی بوده است. وی در این سمت، فشار زیادی بر پرسنل دانشگاهی برای روانه کردن آنان به مسلخ جنگ وارد می‌کرده است.

۹- ناصر علی محمدی، حمید رضا حق طلب، سید محمد هادی فلسفی و غلامرضا صادقی، که از پرسنل قسالت و از کادرفهای قرارگاه رمضان وابسته به بخش جنگهای نامنظم نیروی زمینی سپاه سرکوبگر خمینی بوده و در سرکوب نیروهای انقلابی و نیز جنگ ضد مردمی رژیم نقش فعالی داشته‌اند.

۱۰- حسن آقا رضایی از فرماندهان منطقه يك نازلله و از پاسداران سرکوبگر رژیم

۱۱- همچنین پاسدارانی از قبیل محمد اورعی، جهانگیر آقازاده (آخوند)، فرهاد آسانی (قائم مقام بهداری لشکر موسوم به سیدالشهدا)، حسین حجتی (فرزند آخوند ابراهیم حجتی)، یوسف ارشداد، اسماعیل کابلی، مجید تقی پور، محسن ترابی (از مسئولین سپاه و از فالانزهای شناخته شده رژیم) و نیز بسیجی هایی از قبیل هومن غروی، ابوالفضل کریمی، علی رسولی فر، حسین نوروزی، محمد کاظم اعتمادیان غلامرضا زندی، مجید آزاد بخت، مجید دانشخواه که چمگلی از فعالین سپاه بوده و هر يك در عملیات مختلف شرکت داشته‌اند.

موارد بالا گر چه بخش ناچیزی از تلفات کیفی رژیم در جنگ ضد مردمی است. اما بعنوان نمونه، نشانگر آنست که رژیم خمینی برای پیشبرد جنگ، مجبور به استفاده هر چه بیشتر از نیروهای ورزیده خود در خطوط مقدم جبهه است، و این خود نشانگر آنست که خمینی در بسیج نیرو بطور جدی در بن بست قرار گرفته است.

به مناسبت بیست و ششمین سالگرد ♦♦♦

بقیه از صفحه ۱

و توانستند دولت انقلابی را در کوبا جایگزین حکومت ضد خلقی باتیستا دیکتاتور دست نشانده امریکایسی نمایند.

انقلاب مردم کوبا تمامی پایگاه امپریالیسم را در امریکای لاتین به لرزه انداخت. امپریالیسم نیز از تلاش خود مبنی بر محو دستاوردهای انقلابی در این کشور دست نکشید و برای در هم کوبیدن این کانسون انقلابات در امریکای لاتین به توطئه چینی پرداخت و حمله نظامی خود را به کوبا آغاز نمود. ولی بسا ارتش تمام خلقی متشکل از زنان و مردان کوباییسی روبرو شد که برای محافظت از دستاوردهای انقلاب خود حاضر به هر گونه جان فدايي بودند. حمله امریکا به خلیج خوکها بوسیله ارتش خلقی کوبا در ظرف سه روز در هم شکسته شد و قابلیت دفاعی چشمگیری توده‌های مسلح کوبا بی در آنجا نمایان شد و این درس بود به امپریالیسم تا بیاموزد که در دفاع از دستاوردهای انقلاب حتی اگر لازم باشد نوجوانان و پیر مردان نیز سلاح بر کف در مقابل حمله امپریالیسم خواهند ایستاد. فیدل کاسترو در سال ۱۹۵۹ سوال زیر را مطرح کرد:

" چرا ما ظاهراً با نادیده گرفتن تمامی سنتهای

سپاهگیری، نه تنها پادگان ناختم بلکه پادگانهای موجود را نیز به مدرسه تبدیل کردیم؟ آیا بدین خاطر بود که هیچ خطری نمی‌توانست انقلاب ما را تهدید کند؟ آیا انقلاب ما دشمن و ضد انقلاب نداشت؟ آیا کسی بر علیه انقلاب ما توطئه نمی‌کرد و با از حد و حدود مسئولیت خود آگاه نبودیم؟ پس چگونه است که کاسترو خود چنین پاسخی می‌دهد:

" زیرا پس از پیروزی انقلاب، از اول ژانویه به بعد، هر مدرسه يك پادگان (برای دفاع از ایدئولوژی انقلاب) شده است."

مقابله توده‌ها در برابر تجاوز امپریالیسم مویسده حقانیت این سخنان کاسترو می‌باشد. توده‌های انقلابی کوبا این سخن لنین را که می‌گوید " انقلاب به نیروهای خود نه تنها برای آن نیاز دارد تا به قدرت اربابان و سرمایه‌داران پایان بخشد، بلکه همچنین برای آن احتیاج دارد تا از دستاوردهای انقلاب در برابر دشمنان داخلی و خارجی دفاع کند"، بطور واقعی بکار گرفتند.

دولت انقلابی کوبا برای تکامل انقلاب دمکراتیک به يك انقلاب اجتماعی سرعت وارد عمل شد. این دولت انقلابی در صحنه داخلی دست به تغییر و تحولات شدیدی زد، تمامی ضد انقلابیون داخلی را سرکوب کرد، نظام بوسیده سرمایه داری را

الفنا کرده و پایه‌های نظام نوین که همانا سوسیالیسم باشد را بنا نهاد. در زمینه اقتصادی دولت انقلابی کوبا توانست هر گونه وابستگی به امپریالیسم را قطع نماید، زمین زمینداران را مصادره کرده و به زحمتکشان واگذار کرد. مبارزه پیگیری را با بیگاری آغاز نمود، بیسوادی را ریشه کن کرد و با این کار باعث تعجب تمامی جهان گردید. در رابطه با حل مسئله بیسوادی دولت انقلابی کوبا توانست ۲۵۰۰۰۰ معلم برای آموزش يك میلیون بیسواد به مناطق صعب العبور که بیشترین تعداد بیسواد را داشت، بسیج نماید. این معلمین انقلابی با تمام شور و وفاداری خود نسبت به انقلاب این وظیفه خطیر را پذیرفتند، در ابتراه تعدادی از آنها بدست گروههای باقیمانده از ضد انقلابیون به شهادت رسیدند ولی همراهان آنها هرگز از راه نایستادند.

تجربه انقلاب کوبا نشاندهنده این بود که پیکار انقلابی توده زحمتکش و رنج دیده تمامی جهان می‌رود تا نظام سرمایه‌داری را که سیر نزولی خود را طی میکند، از میان بردارد و به جای آن با تکیه بر طبقه کارگر و بکار گرفتن مارکسیسم - لنینیسم جامعه نوین سوسیالیسم را که نافی هر گونه ظلم و ستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است را بنیان نهد.

بقیه در صفحه ۸

زمین!

دورانه ی هستی!
تجلی گاه معنای وجود من
از آغاز حیاتم
در میان رودهای روشن فردا
شنا کردم

و خود عاشقانه
در میان آرزوهای پلنسد و پاک
چون ققنوس در آتشکده بسزاد
سوزاندم

منم! انسان
بنام برده و دهقان

نشانی
خط سرخی کز فرود تازیانه بر گلوی عشق
بنشسته است
سفره های همچنان بسی نمان
بنام کارگر
در جستجوی آبسال عشق بسی پایان

منم! انسان
بنام شورش و عصیان
چه طوفانبست این شورش
چه بهمین های پر بار است این عصیان

زمین!
در هر شبان خلوت و دلگیر
کوبیدم دو دستم را میان سینه ی تقدیر
و انسان خوارهای شهر بدستی
سرا صفا هزاران بار
در رود سیاه آرزوهایشان
لباس سردگی و سرگشتن کردند
سرا فوج از پی هر فوج
در جنگ و هوا از تن سپاریها
به تیغ زهر جلادان
درون تو نمان کردند

زمین!
اینک بنام شورش و عصیان
در سرزمین کوچک و ستار
فاتحانه
خون خود را بر تبت دیوار می سازم
سنگری از نور
از پولاد می سازم
که تا خلقم
از سنگر خونم
خورشید سپید عشق را
در دستهای گرم و تبادارش
بجوید

زمین!
تر شو ز خون من
زمین!
بیدار شو از شهر و کوی و من
که می آیم
سلاح
بسی خستگی
هشیار
دست افشان و پا کوبان

احمد الف آبان ۶۵

به مناسبت بیست و ششمین سالگرد انقلاب پرشکوه کوبا

بقیه از صفحه ۷

در این راه پر شکوه بسا فرزندان دلیر خلق وزحمتکشان
که جان خود را فدا میکنند تا آیندگان در جامعه های
آزاد و آباد بدون هر گونه استثمار و ستم زندگی
نمایند. ما ضمن بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد
انقلاب پر شکوه کوبا، به تمامی کارگران و زحمتکشان
این کشور تبریک گفته و خواهان آنیم که کوبا بسا
پیروی از سیاست انترناسیونالیسم پرولتری بسا
اشتیهاات فلاحی خود در رابطه با رژیم خمینی غلبه
کرده و از مقاومت عادلانه مردم ایران برای مسلح
و آزادی حمایت نماید.

مطبوعات خارجی

منبع: تورتو استار چاپ کانادا - شماره ۲۶ نوامبر ۸۶

بر طبق گزارش منتشر شده ای، سازمان سیا
در طی هفت سال گذشته دست به عملیاتی زده است تا
بتواند روابطش را با تهران بحالت عادی برگردانده
و همزمان با آن به مخالفین داخلی حکومت ایران تیز
کعک میگرداند.

برنامه های تماس های مخفیانه مقامات رسمی حکومت
ریگان و ارسال اسلحه به ایران بخشی از این تلاشها
و عملیات می باشد که از زمان کارتر آغاز شده است.
مقامات حکومت ریگان و پنتاگون به آسوشیتدپرسی
اظهار کردند که خود را آماده کرده اند تا به کنگره
اطلاع دهند که پنتاگون چیزی در باره ارسال اسلحه به
ایران بمنظور بهبود رابطه بوسیله ریگان
نمی دانستند.

واشنگتن پست بدون ذکر منابع خبری و فقط با ذکر
" از قول منابع مطلع و اطلاعاتی " می گوید که
سازمان سیا اسامی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر را که گفته
می شود عوامل جاسوسی شوروی بوده اند در اختیار

دروغ های خائنین

اخیرا نشریات جریان موسوم به اکثریت
مقالاتی در رابطه با زندانبانان درج نموده که در آن بسا
کمال بی شرمی وانمود میشود که اکثریت بیای زندانبانی
در اتحاد بی سابقه ای با نیروهای انقلابی درون زندان
بسر می برند و این اتحاد هر روز بهبود می یابد. در
همین رابطه مواضع سازمان مجاهدین را به نقد میکشد
که نتوانسته است " روند بهبود مناسبات در زندانبانان
را تحمل کند ".

برای افشای دروغ پردازیهای این جریان منحط و خیانت
کار لازم است نکات زیر را یاد آور شویم.

۱- بسیاری از افراد اکثریتی در زمانی دستگیر
شده اند که رهبری خائن آن با ارتجاع حاکم جبهت
مقابله با مقاومت سلحانه همدست بوده و مهر تائید
بر تمامی جنایات رژیم جنایتکار خمینی می زدند، بسا
بر این جار و جنجال و هیاهوهای این جریان مبنی بر
مقاومت اکثریتی ها در زندان نمی تواند کارنامه سیاه
چندین ساله این جریان را به فراموشی بسپارد. البته
اینکه اکثریتی ها روی مواضع خود در زندان که همان
خوش خدمتی به خمینی است، پایدار هستند، کسی
منکر آن نیست. بله اکثریتی ها روی " رهبری امام
خمینی " و " امریکایی " و " مشکوک " و " خائن " بودن
نیروهای انقلابی هنوز هم در زندان پایدارند، در مقابل
کاملا طبیعی ست که عده ای از آنها را برای اخذ
اطلاعات تحت فشار قرار دهند. شواهد موجود نشان
می دهد که در این زمینه هم تا بحال همچنانکه رسم
هر " توده ای مفتی " ست، روحیه تسلیم و زبونی بر
اینان حاکم است. بطور مثال علیرضا اکبری مسئول
قبلی شاخه کردستان اکثریت نمونه بارزیت که
نهایت همکاری را با رژیم کرده است و جدا از لو دادن
افراد با لای این سازمان اسامی پیشمرگان سازمان قبیل

آیت الله روح الله خمینی قرار داده است که حدود
۲۰۰ مشنون اعدام شدند و این امر موجب آشکارساز
شدن نفوذ و عملیات شوروی در ایران شد. در زمان
ریاست جمهوری کما رتر هنگامی که ۵۲ امریکایی به
گروگان گرفته شدند، سازمان سیا عملیاتی را بر
علیه خمینی آغاز کرد که شامل جمع آوری اطلاعاتی به
منظور تنبیه رژیم ایران بود.

از آن زمان سازمان سیا مخالفین رژیم خمینی را مورد
حمایت قرار داده است. که بخشی از این حمایت ها
شامل ارسال ها میلیون دلار برای گروه جبهه نجات
ایران (مستقر در پاریس)، هم چنین کمک های مالی
و تجهیزات برای ایستگاه رادیویی جبهه نجات در
مصر که برای ایران برنامه پخش می کند و هم چنین
تجهه امکانات برای پخش برنامه ۱۱ دقیقه ای رضا
پهلوی پسر محمد رضا پهلوی از تلویزیون ایران حدود
دو ماه پیش.

روزنامه واشنگتن پست خاطر نشان می سازد که
تسلیماتی که اخیرا ریگان به ایران ارسال داشته
است شامل قطعاتی برای موشک های هاک و همچنین
قطعاتی برای موشک های ضد تانک بوده است.

از انشعاب را نیز در اختیار رژیم گذاشته است و حتی
بارها جهت شناسایی انقلابیون و افراد اکثریت همراه
مامورین دادستانی به شهرهای مختلف رفته است. شاید
رهبری خائن اکثریت این اقدامات ضد انقلابی را به
حساب زمانی می گذارد که می بایست جهت تقویت
" خط امام " و گام نهادن هر چه پیشتر در راه
" ستگیری سوسیالیستی " به هر اقدامی دست میزد.
آ اکثریتی بیایی که در بندهای عمومی زندانبانان رژیم
بسر می برند در میان زندانبانان نیروهای انقلابی
بایکوت کامل می باشند و هیچ مناسبات حسنه ای در هیچ
زمانی مابین این خیانتکاران و افراد انقلابی وجود
نداشت. حتی در برنامه های منقعی مانند استفاده
کمونی از خوراک و پوشاک نیز وضع بهمین منوال
است. مارکسیست های انقلابی و مجاهدین با کسانی
که سالها همدست خمینی جلاد بودند و خونریزیهای
لاجوردیها و گیلانها و ری شهرهای جنایتکار را
الزامات پیشرفت انقلاب می دانستند و در زندانبانان
نیز از این مواضع ارتجاعی دفاع می کنند و هر ماه
هنگام با " امت حزب الله " برای " جبهه های نور
علیه ظلمت " کمک مالی جمع می کنند حاضر به
همکاری نمی باشند. چگونه امکان دارد بین کسانی که
برای مبارزه و براندازی انقلابی رژیم خمینی از
جانشان مایه گذاشته اند با کسانی که در شرایطی که
هر روز و هر ساعت خون دهها رزمنده انقلابی در نبرد
با دژخیمان خمینی چه در خیابانها و چه در میدانهای
تیر به زمین می ریخت، اطلاعاتی پی در پی در
دفاع از اقدامات دادستانیها منتشر می کردند و چنین
می نوشتند: " دیروز در نتیجه محاصره یکسانی از
مخفیگاههای سازمان مجاهدین در خیابان زعفرانیه
تهران، موسی خیابانی، اشرف ربیعی، آذر رشایی
همسر خیابانی و بیش از ده نفر گشته شدند. ۰۰۰۰۰۰۰
اکنون در میان گشته شدگان درگیریهای اخیر خیابانی
بقیه در صفحه ۹

دروغ‌های خاشین

بقیه از صفحه ۸

و خانه‌های تبیی و در میان افراد دستگیر شده، تعداد هر چه بیشتری از عناصر رهبری و مسئولین چریک‌ناسات ضد انقلابی دیده می‌شوند ۱۰۰۰ آری این انقلاب است که در جریان بالندگی، ناخالصی‌ها را بدور می‌ریزد و خاشین را در زیر گامهای سنگین له می‌کند" (کاراکتریت شماره ۴۹ بهمن ۶۰)، تفاهم بوجود آید. بیشک هر گونه همکاری چه در درون زندان و چه در هر مرصه دیگری با اکثریت‌های خاش خواه نا خواه مهر تأیید بر تمامی مواضع و عملکردهاست که در خدمت رژیم خمینی بوده است.

لنین در مورد خاشین از این نوع بود که می‌گفت:

"کسیکه اخلاقیات خرده بورژوازی را در سیاست وارد می‌نماید استدلالش چنین است: بفرض اینکه اس ارها و منشویکیها (بخوان اکثریت‌ها و توده‌ایها) با پشتیبانی از کاتولیک‌ها که پروولتاریا و هنگ‌های انقلابی را خلع سلاح نمودند مرتکب "اشتباه" هم شده باشند، باز باید به آنها امکان داد اشتباه خود را "رفع نمایند" و امر رفع "اشتباه" را برای آنها "دشوار ساخت" ۱۰۰۰ احزاب اس ار و منشویک (بخوان اکثریت و حزب توده) اکنون فقط در صورتی می‌توانند اشتباه خود را رفع نمایند که تیره تلسی و چریف و دان را کینتیکف (فرخ نگهدار و کیانوری) را دستیار جلدان اعلام دارند." (لنین در اطراف شمارها)

زیرنویس

این یادداشت کوتاه، توسط یکی از رفقا که مدتی در زندانهای متعدد رژیم خمینی اسیر بوده در شماره دروغ پردازیهای جریان موسوم به "اکثریت" نوشته شده است.

اخبار کوتاه

بقیه از صفحه ۴

پس از گذشت ۶ روز از اعتصاب غذا، پزشکان، رضا اولیا را به بیمارستان منتقل کردند و وی را تحت نظر پزشکی قرار دادند. در همین زمان آقای مسعود رجوی، ضمن یک پیام تقدیر از این اقدام انساندوستانه خواستار پایان اعتصاب غذای این هنرمند مترقی ایرانی شد. بدین ترتیب اعتصاب غذای آقای رضا اولیا با انعکاس وسیع آن در مطبوعات ایتالیا و بدین ترتیب افشا، هر چه بیشتر رژیم خمینی، به پایان رسید. این اقدام انساندوستانه و قابل تقدیر مجسمه ساز برجسته ایرانی، در میان ایرانیان خارج از کشور، انعکاس بسیار مثبت بر جای گذاشت و نشان داد که هنرمندان مدافع مقاومت انقلابی و مردمی، در پشت جبهه این مقاومت دوران ساز، با تلاشهای متعدد، مقاومت مردمی علیه رژیم خمینی را تقویت می‌کنند و مسلماً تمامی اقدامات نیروهای مقاومت در جبهه و پشت جبهه، سرانجام رژیم ارتجاعی خمینی را سرنگون و صلح و آزادی را برای میهن مسلمانان خواهد آورد.

کارگرنمونه رژیم خمینی کیست؟

را روانه سیاه چالها و میدانهای تیر نموده است. هدف رژیم از این صحنه سازیها چیست؟ نقشی که طبقه کارگر میهنمان در انقلاب بهمین ایفا نمود تجربه گرانقدری است که هر نیروی ضد انقلابی و ضد کارگری همیشه در تعیین روند حرکت خود آنرا مد نظر دارد. هرکسی با هر ایدئولوژی نمی‌تواند فراموش کند که شرکت عینی طبقه کارگر در انقلاب بهمین بود که رژیم ضد خلقی شاه را فلج کرد، این نیروی عظیم هر گاه اراده کند تعام چرخهای تولید از کار خواهند ایستاد. در مقابل یک چنین نیرویی وسیله موثری که ضد انقلاب می‌تواند با آن در مقابل قدرت و عظمت انبوه کارگران مقابله نماید اقداماتی است که در نهایت منجر به عدم همبستگی و تفرقه میان کارگران می‌شود. یکی از اهداف "انتخاب کارگر نمونه" رسیدن بدین منظور می‌باشد.

رژیم خمینی که هر روز بیش از پیش مورد خشم کارگران میهنمان واقع می‌شود سعی می‌کند با ایجاد اینگونه صحنه سازیها برای خود در میان کارگران جای پای باز کند و با تطمیع و تحمیق بخشی از آنها باعث عدم اطمینان به همدیگر و مانع وحدت و در نتیجه ایجاد روحیه شغف و نوسیدی گردد.

کارگران آگاه و پیشرو در هر کارخانه برای مقابله با چنین اقداماتی باید بیش از پیش صفوف خود را با طبقه کارگران مستحکمتر نمایند. وظیفه هر کارگر آگاهیت تا به دیگران توضیح دهد، تا زمانی که رژیم خمینی باقیست هر روز با خطر اخراج از کارخانه مواجه هستند، روز بروز باید فشارهای جسمی و روحی بیشتری متحمل شوند. کارگران باید بدانند که تا زمانی که رژیم خمینی سرنگون نشده به ابتدایی ترین خواسته‌ها نخواهند رسید، دستیابی به خواسته‌های واقعی و قطعی از کانال سرنگونی این رژیم قرون وسطایی می‌گذرد، پس باید با تمام توان در تدارک قیام برای سرنگونی رژیم بود. در این راستا وظیفه کارگران مبارز، ایجاد کمیته‌های مخفی مقاومت در کارخانه می‌باشد. شانس ادامه کاری و پیشرفت کمیته‌های مخفی مقاومت اتکا، به شکل محوری مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه انقلابی خواهد بود.

رژیم جنایتکار خمینی هر سال نمایش انتخاب کارگر نمونه سال را به روی صحنه می‌آورد و بعد از مدتی تبلیغات و عوامفریبی کارگر نمونش را انتخاب می‌کند، برای افشای هر چه بیشتر این صحنه سازیها، از اینکه انتخاب شونده کارگر است یا کسی دیگر صرف نظر می‌کنیم. لازم است بدانیم که در رژیم خمینی چه کسانی می‌توانند انتخاب شوند. چون می‌بینیم که در اکثر مکانهای کار و فعالیت بنا مسئله انتخاب روبرو هستیم و مختص به کارگر نمونه نیست. مسلماً در رژیم خمینی کسی می‌تواند انتخاب شود که اولاً، پیرو ولایت فقیه باشد. ثانیاً، این پیروی را در تمام عرصه‌های زندگی با عملکرد مشخص به اثبات رسانده باشد. مثلاً دانش آموزی که برای انجمن اسلامی مدرسه‌اش می‌تواند انتخاب شود، باید بیش از دیگران در تبلیغ سیاستهای رژیم کوشا بوده در کنترل و جاسوسی در مدرسه دارای نقش پیشواز بوده و ارتباط محکمی با دستگاه ساواک خمینی داشته باشد و در یک کلام در خدمت رژیم خمینی باشد.

شرایط هر انتخابی که توسط رژیم در هر کدام از عرصه‌های زندگی صورت پذیرد، نمی‌تواند خارج از شرایط فوق قرار گیرد. کارگر نمونه جمهوری اسلامی به همین ترتیب.

کارگر نمونه رژیم باید آینه تمام نمای جمهوری اسلامی باشد، باید در کارخانه جنابات رژیم را تائید و تبلیغ کرده باشد. برای جبهه جنگ ارتجاعی و خانمانسوز کمک مالی جمع کرده باشد، شعبه مبارز افزایش تولید را به میان کارگران برده باشد. حداکثر اطلاعات را در رابطه با وجود کارگران انقلابی و مبارز و تشکل‌هایشان را در اختیار ساواک خمینی قرار داده باشد. در مقابل خواسته‌های پایه‌ای کارگران متحسد کارخانه‌دار بوده باشد و کلام آخر مجری تمامی سیاستهای ضد انقلابی رژیم باشد.

بی شک کارگران آگاه و مبارز با تجربه‌ای که در رژیمهای شاه و خمینی کسب کرده‌اند، قریب این صحنه سازیهای مشحک را نخواهند خورد. رژیم خمینی در حالی دم از طرفداری مستضعفین و طبقه کارگر میزند که از سویی دهها کارخانه را به تعطیل کشانده و زندگی هزاران خانواده کارگر را در معرض نابودی قرار داده و از سویی نیز صدها کارگر انقلابی

برخی از رویدادهای تاریخی

بقیه از صفحه ۱۲

۱۳۶۱ - ملاقات مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت با طارق عزیز، معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه عراق
۱۳۵۶ - کشتار مردم قم توسط مزدوران رژیم شاه
۱۳۳۸ - اعتصاب دانش آموزان در تهران
۱۳۵۷ - روز بازگشایی دانشگاهها
۱۳۵۷ - فرار شاه خاش
۱۳۳۰ - اعتصاب کارگران حریر بان اصفهان خارجی:
۱۹۴۷ - تاسیس جمهوری خلق رومانی

۱۹۵۹ - پیروزی انقلاب کوبا

۱۹۴۵ - آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین زیر رهبری

سازمان آزادیبخش خلق فلسطین

۱۹۵۲ - تاسیس جبهه رهایی بخش ملی ساندمینست

۱۹۱۹ - شهادت روزالوکزامبورگه و کارل لیبکنشت از

رهبران جنبش کمونیستی آلمان

۱۹۶۱ - شهادت پاتریس لومومبا نخست وزیر قانونی

کنگو

۱۹۲۰ - تولد ناظم حکمت، شاعر انقلابی ترک

۱۹۷۳ - ترور آمیلکار کابرال، رهبر جنبش رهایی بخش

خلق گینه بدست مزدوران پرتغالی

۱۹۴۲ - در گذشت گالیله

مرگ بر جنگ؛ مرگ بر...

بقیه از صفحه ۲
مسکونی شهرهای بصره، مندلی، بغداد، کربوک، سید صادق و ۰۰۰ را با موشک و توپهای دوربرد، مورد حمله قرار می‌داد. در مقابل عراق به حملات خود به مراکز اقتصادی و نظامی ادامه می‌داد. بطور مثال در طی مدت ذکر شده، عراق توانست نیروگاههای برق در تبریز، اصفهان، شیراز و نکا، را از کار بیاندازد، بصره، سیری، خارک و لارک حمله نمود و ۰۰۰ در مقابل خمینی نیز به موشک باران کردن بصره و بغداد مبادرت می‌ورزید. از شروع کربلای ۵، عراق نیز شهرها و مراکز مسکونی را مورد حمله قرار داده و در طرف بر شدت حملات خود افزوده‌اند. سیاست جنگ افروزان رژیم خمینی سبب آن شده که تعداد هر چه بیشتری از مردم ایران در این جنگ خانمانسوز

خاطرات جنگل

بقیه از صفحه ۱۱

حاضر شد، ما توانستیم خود را به بقیه انفراد برسانیم. هلی کوپتر از بالا محل و مسیر حرکت را مشخص می‌کرد و نیروهای سپاه از زمین در تعقیب ما بودند. ما در حین جنگ و گریز خود را به مناطق انبوه تر جنگل رسانیم تا از دید هلی کوپتر در آسان بمانیم و بزودی موفق به این کار شدیم. هلی کوپتر چندین ساعت در آن حوالی گشت میزد ولی ما از آن منطقه دور شده بودیم. در چند درگیری دیگر نیز هلی کوپتر بالای سرمان حاضر شده بود و کمک زیادی به نیروهای سپاه کرده بود. طبق اطلاعات رسیده از شهر با خبر شدیم که جسد همسنگر شهیدمان را در کوچه و خیابان شهر هشتیر طوالت و رضوانت می‌گرفتند و با بلندگو جار می‌زدند که این است عاقبت کسی که با اسلام می‌جنگد، ولی مردم از این عمل رژیم ابراز نفرت میکردند. ما توانسته بودیم بیش از ۱۵ نفر از نیروهای دشمن را به هلاکت برسانیم که رژیم از ترس اینکه آبرویش نرود بطور تدریجی اجساد کشته شدگان را آشکار میساخت و به مردم می‌گفت در جبهه جنگ و در کردستان کشته شده‌اند. مردم از طریق گالشها فهمیده بودند که در جنگل کشته شده‌اند. پس از یکماه رژیم حملات گسترده‌ای را به جنگل تدارک دید. در منطقه سپاه بیل به یک پایگاه به فرماندهی شهید نظام الدین عنقااشی حمله کرد. فرمانده واحد و یک نفر دیگر شهید شدند. ۲ نفر از افرادی که بدینال ارتباط رفته بودند در روستای لکمه سرا با نیروهای رژیم درگیر شده و بعد به جنگل برگشته بودند ولی متأسفانه نتوانسته بودند ارتباط برقرار سازند. تصمیم گرفتیم از طریق شهر اقدام کنیم. در این موقع از طریق گالشها به ما خبر داده شد که یک پاسگاه و ۲ مزدور نیز در شهرک ماسال بوسيله واحدهای مستقر در جنگل خلع سلاح و اعدام شده‌اند و چند درگیری پراکنده نیز رخ داده است. همه جا صحبت از نیروهای جنگل بود. در شهرها شایع شده بود که نیروهای جنگل هزار نفرند و امکان آزادسازی استان گیلان وجود دارد. گالشها به ما خبر دادند که شهرک ماسال یکشب در دست نیروهای جنگل بوده است. در شهرها و روستاهای اطراف جنگلها، مزدوران انجمن اسلامی و امور تربیتی و غیره شبها در پآیگاههای سپاه و بسیج پست می‌بردند از ترس اینکه سیادا مورد حمله قرار بگیرند.

ما نیز طرح حمله به شهرک (پره سر) را به مشورت گذاشتیم. ما قبلا روی این موضوع صحبت کرده بودیم همه افراد نسبت به این مسئله نظر مساعد داشتند. این شهرک دارای یک پایگاه متعلق به سپاه پاسداران و یک ژاندارمری بود. میدانستیم که ژاندارمری مقاومت چندانی نخواهد کرد. فقط سپاه است که مقاومت خواهد کرد و مقاومت آنرا هم بوسيله پرتاب نارنجک دستی و سپس رگبار پی در پی قطع خواهیم کرد و سپس وارد پایگاه خواهیم شد.

ادامه دارد

کشته و با آواره شوند. ما با وجود اینکه رژیم خمینی را مسئول ادامه جنگ می‌دانیم، اما بسیاریان مراکز غیر نظامی و مردم بی‌دفاع و نیز کاربرد سلاح شیمیایی را چه از جانب رژیم خمینی و چه از جانب عراق را بارها محکوم نموده‌ایم.
تهاجم‌های ماجراجویانه اخیر رژیم خمینی نشان میدهد که این رژیم برای دست یابی به اهداف پلیمه و توسعه طلبانه خود، حاضر به هرگونه جنایتی است. این تهاجمات که منجر به کشته شدن دهها هزار تن از نیروهای نظامی رژیم و نیز منجر به کشته شدن تعداد زیادی از هموطنان بی‌دفاع ماگردید، مسلماً هیچگونه تغییری در اوضاع جنگی نخواهد داد. جنگ محصول رژیم خمینی و جزء لاتجزای این رژیم است. برای نابودی جنگ و استقرار صلح و آزادی باید رژیم را سرنگون نمود. ما مردم ایران را به مبارزه پسراری سرنگونی این رژیم دعوت می‌کنیم.

نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور

شماره ۷۷

اسامی تعدادی از فرماندهان و مهره‌های رژیم که در تهاجم دیوانه‌وار اخیر کشته و یا مجروح شده‌اند

ردیف	نام	سمت و پگان مربوطه
۱	زارع	فرماندهی گردان موسوم به رژیم از لشکر ۱۹ فجر
۲	عسکری	مسئول بهداری لشکر ۲۷ موسوم به جبهه رسول‌الله
۳	شعبانعلی نژاد فلاح	مسئول بهداری لشکر موسوم به سیدالشهدا
۴	ذبیح‌الله سلگی	فرماندهی گردان موسوم به امام حسین
۵	عبدالمهدی مقفوری	فرماندهی مهندسی لشکر موسوم به سیدالشهدا
۶	آخوند رنجبر	فرماندهی بسیج ضد مردمی ناحیهی کرمان
۷	شیرسوار	از فرماندهان گردان لشکر ۲۵ کربلا
۸	شیخ‌مهدی عبدوست	فرماندهی تبلیغات جبهه و جنگ منطقه غرب کشور
۹	آخوند محمدباقر دستغیب	در جبههی خرمشهر - شلمچه بهلاکت رسیده
۱۰	علیرضا حقیقتپزوه	سرهنگ دوم ارتش
۱۱	فتح‌الله عباسی	فرماندهی گردان فتح از لشکر ۳۳ موسوم به المهدی
۱۲	احترامی	فرماندهی گردان فتح از لشکر ۸ نجف
۱۳	عباس حسن‌پور	فرماندهی گردان موسوم به مالک‌اشتر از ناو تیپ موسوم به امیرالمؤمنین

گزارش وضعیت یکی از پایگاه‌های رژیم

بقیه از صفحه ۱
شدید کنترل بر پایگاه حرف دلشان را نمی‌زنند اما اعمال آنها گواه ناراضبیتی شان هست. برای مثال این افراد هیچوقت حاضر به کمین و نگهبانی دواطلبانه نیستند، بلکه در پست نگهبانی خودشان هم می‌خوابند و با زمانی که اجباراً می‌بایست جهت کمین گذاری برای پیشمرگان بروند به بهانه‌های مختلفی، از جمله مریضی سعی در امتناع از رفتن به کمین می‌نمایند و زمانی هم که می‌روند به محض رسیدن به محل کمین و مشخص شدن نقطه استقرار، خودشان جایی می‌افتند و سلاحشان جایی دیگر - البته آیین نامه‌هایی در این زمینه‌ها وجود دارد که به موجب یکی از آیین نامه‌ها هر کس تا سه بار در پست نگهبانی یا کمین گذاری بخوابد، جهت دادگامی شدن تحویل گردان داده خواهد شد. در مقابل افراد دیگری هم هستند که عمیقاً فالانز و حزب الهی می‌باشند. حزب الهی‌ها حاضر به کمین گذاری و نگهبانی دواطلبانه می‌شوند و علاوه بر این وظیفه دیگرشان هم

جاسوسی و سردرآوردن از " خوابهایی است که سربازان مخالف برای فرمانده و حزب الهی‌های پایگاه می‌بینند ". فرمانده پایگاه شبها از ترس سربازان خواب ندارد. یکبار سربازی نامه‌ای بدون امضاء نوشته بود و در آن فرمانده پایگاه را تهدید به مرگ کرده بود.

گروه اول با اینکه بعلت جو اختناق بی‌شش همديگر کمتر " راز و نیاز " می‌کنند، اما از لحاظ عاطفی بهم نزدیک می‌باشند و این وضعیت را گروه مقابل هم دارد. اما دو گروه فوق هیچوقت رابطه خوبی با همديگر ندارند و تقریباً نوعی جنگ اعلام نشده بینشان وجود دارد. افراد مخالف چون اغلب انسانهای ساده و بی تجربه‌ای هستند نمی‌توانند راههای نجات خویش را بیابند، چون اگر بدانند، يك لحظه هم آنجا نمی‌مانند. تا جایی که من اطلاع دارم وضع دیگر پایگاهها هم از این بهتر نیست. تازه هر چند وقت یکبار سرو صدا از پایگاههای جنب ما هم بلند می‌شود و مخالف و موافق به بهانه‌های مختلف به همديگر می‌برند.

خاطرات جنگل

بقیه از صفحه ۱۲

تصمیم گرفتیم که بگوییم بسیجی هستیم و بدنبال منافقین میگردیم. همه ما لباس فرم پوشیده داخل روستا شدیم. روستای پر جمعیتی نبود وارد تنها قهوه خانه روستا شدیم بیشتر افراد روستا برای دیدن ما جمع شدند و تند تند می پرسیدند شما کسی هستید، گفتیم بسیجی. آنها در حالی که با ناپاوری به سرو وضعمان نگاه می کردند گفتند اگر شما پاسدار یا بسیجی هستید برای وارد شدن به اینجا میبایستی از بلد استفاده می کردید و یا میبایستی از آغاز از این روستا وارد جنگل میشدید ولی شما الان یکدفعه سر از جنگل در آوریدید ما میدانیم شما پاسدار نیستید در هر حال خوش آمدید بفرمایید چایی بخورید ما که ندیمیم برای گرفتن آذوقه و کسب اطلاعات موقعیت خوبی است پس از اینکه برایشان مقداری کار توضیحی کردیم اطلاعات مفیدی از رفت و آمد نیروهای دشمن کسب کردیم در آن روستا چند نفر صوفی بودند که بما می گفتند شما جوانان خوبی هستید ولی گمراه شده اید. این صوفی ها افراد باصلاح دانای روستا بشمار می رفتند و از احترام زیادی در بین روستائیان برخوردار بودند. این افراد عامل گمراهی مردم و بازداشتن آنها از مبارزه بودند. البته آنها بطور مستقیم با رژیم همکاری نمی کردند ولی همواره مروج طرز تفکری بودند که گویا مبارزه بی فایده و بی ثمر است، تا دنیا، دنیا بوده و فرغ بر همین منوال بوده است باید کنج مسجد و عبادت گاه منزل گردید و از مسائل دنیوی بر حذر بود. در روستا یک نفر نیز وجود داشت که با سپاه همکاری میکرد و بلد سپاه بود. او چند نفر از مجاهدین را که به جنگل می رفتند شناسایی کرده و لو داده بود. ما پس از تهیه مقداری آرد و برنج بطرف پایگاه حرکت کردیم به روستائیان گفتیم اگر سپاه از شما پرسید آنها کی بودند بگویید بسیجی بودند و با ما شین از منطقه دور شدند. در بین راه سه یک صوفی برخوردیم او نزدیک ما آمد و با عصانیت گفت: شما با این سه، چهار تا تفنگ می خواهید با یک دولت بجنگید، چرا خودتان را به کشتن میدهید دولت مانند دریایی است که شما مانند یک چوب در درونش فرق خواهید شد و غیره. ما مقداری برایش صحبت کردیم و گفتیم که ما فقط این ۳ یا ۴ تفنگ نیستیم بلکه مردم با ما هستند. او به هیچ وجه قانع نشد. این طیف افراد در روستا به لحاظ اقتصادی از وضعیت بسیار خوبی برخوردارند. در بین روستائیان بعنوان افرادی مومن و مرجع شناخته میشوند و طبق آداب و رسوم مذهبی خودشان کمکهای نقدی و جنسی زیادی به آنها تعلق میگیرد. این کمکهای بلاعوض از آنها افرادی پول دوست و پرمعنا و طماع ساخته است بهیچوجه صلاح خود نمی بینند که نزول از افکار مردم پدید آید و در نتیجه منزلتشان شکسته شود. البته در شمال چندین روستای خاص که قبلا خانقاه در آنجا قرار داشته و مرکز درویشان بوده این چنین افرادی وجود دارند. در بقیه جاها وضع بدین صورت نیست. روستاهایی در شمال وجود دارد که مسائل سیاسی روز بطور پیگیر از طرف

از پاسداران به زمین افتادند و نفر دیگر سلاح خود را به زمین انداخته و خود را از شیب جاده به داخل رودخانه پرتاب کرد. بعد از برداشتن حمایت و اسلحه های مزدوران که یک ۳ و یک کلاشینکوف بود بطرف پایگاه حرکت کردیم. در ۱۰ متری پایگاه متوجه شدیم که پایگاه در محاصره است. پشت درختها سنگر گرفتیم و منتظر مانیم که افراد داخل پایگاه را از وجود محاصره با خبر گردانیم. صدای فرمانده سپاه را از بیسیم شنیدیم که می گفت تا چند دقیقه دیگر شروع کنید. ما دیگر تاخیر را جایز ندانسته، چند نفر از آنها را که بطرف پایگاه دراز کشیده بودند به رگبار بسته و یک نارنجک بطرفشان پرتاب کردیم. افراد داخل پایگاه متوجه جریان شدند و درگیری از دو طرف شروع شد. بعد از نیم ساعت تیراندازی چند نفر از آنها را کشته، و یک نفر از ما هنگام عقب نشینی به داخل دره پرتاب شد و شهید گشت. بعد از نیم ساعت فرمانده مزدوران که خود و افرادش را در محاصره ما دید از پشت بیسیم فریاد میزد کمک بفرستید. آنها ۲۰۰ نفرند نیرو بفرستید، هلی کوپتر روانه کنید و گرنه همه شان قتل عام میشوند همزمان داخل پایگاه که متوجه وجود ما شده بودند گفتند هر چه زودتر باید از منطقه دور شویم. ما متوجه این قضیه شده بودیم که اگر هلی کوپتر بیاید امکان جان سالم بدر بردن ما خیلی کم است، چون تجربه نشان داده بود که هر جا هلی کوپتر وارد صحنه عملیات شود توازن بطن نیروهای دشمن تغییر میکند و نیروهای خودی در وضعیت تدافعی قرار خواهند گرفت. پاسداران خیلی از نیروهای جنگل می ترسیدند مردم شمال از افراد جنگل افسانه های زیادی ساخته بودند. یک هلی کوپتر شب قبل در روستای ارده فرود آمده بود بعد از ۱۰ دقیقه سرعت بر فراز سرمان

بقیه در صفحه ۱۰

برگزاری مراسم روز پیشمرگه...

بقیه از صفحه ۱۲

ملی - دمکراتیک خلق کرد را تشریح نمود و گوشه هایی از حماسه هایی که پیشمرگان کردستان در مقابل رژیم قرون وسطایی خمینی آفریده اند را یاد آور گردید و افزود: "اقتدار اینکه برای اولین بار در ایران، آتش نبرد مسلحانه علیه رژیم جنایتکار خمینی در کردستان برافروخته شد برای همیشه در تاریخ ثبت خواهد شد."

بخش دیگری از سخنان مسئول کمیته کردستان سازمان در رابطه با تغییر و تحولات اخیر منطقه بود که مقاصد تجاوزکارانه ی رژیم خمینی را افشا نمود.

در مراسم برگزاری روز پیشمرگه کردستان زندگینامه ی تنی چند از پیشمرگان قهرمان فدایی که در نبرد با رژیم خمینی جان باخته بودند و بدنبال

آن اشعاری بصورت سرود، از طرف تعدادی از رفقای پیشمرگه خوانده شد. همچنین در این مراسم اساتذانه تشکیلات پیشمرگه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) که به تصویب کنفرانس شهرسور راه کمیته کردستان رسیده بود خوانده شد.

مردم دنبال میشود و اهداف گروههایی مثل مجاهدین و فدائیان را میدانند. ما پس از بازگشت به پایگاه ضمن اینکه تصمیم گرفتیم پایگاهمان را از آن منطقه دور سازیم و از استنار بیشتری برخوردار گردانیم تصمیم گرفتیم هر از چند بار با صوفی بزرگ، روستا صحبت بکنیم و با او از اهداف مبارزه و ضرورت وجود مردم در مبارزه و کمک پیگیر آنها به نیروهای انقلابی صحبت شود و هم خطاری به بلد سپاه در آن روستا بدیم. البته در مورد صوفیها تا حدودی به موفقیت رسیدیم. صوفیها قبول کردند که کاری به کار مردم نداشته باشند. البته در عین حال در بین مردم بر علیه افکار صوفیها دست به تبلیغ و افشاگری میزدیم. در مورد آن بلد سپاه که بسیار خطرناک بود به موفقیت رسیدیم، او نه تنها دست از اعمالش برنداشت، بلکه روز بروز به سپاه نزدیکتر می شد و عاقبت کار را به جایی رساند که قصد ترک آن روستا و مستقر شدن در خانه های سازمانی سپاه در مجاورت شهر هشتر طوالش را داشت. ما صبر را بیش از این جایز ندانستیم و من و عثمان که بعدها در ضربات پی در پی جنگل دستگیر شد ما موریت یافتیم او را بسزای اعمال ننگینش برسانیم. این خاشتن در قهوه خانه روستا مردم را تشویق به همکاری با سپاه میکرد و گفته بود تا زمانی که زنده ام باید پایگاه متعلقین را لو بدهم البته کارنامه خیانت او بیش از اینها بود. او در بین مردم به نفرت و خود فروشی یاد می شد. یک شب کاروانی بسوی خانه اش حرکت کردیم وقتی در خانه اش را محاصره کردیم فهمید که ما هستیم و برای چه کاری آمده ایم، اما عادی سازی سعی میکرد از پنجره فرار کند که وارد خانه های شدم ما طبق قانون جنگل او را به درخت بستیم و محاکمه و سپس اعدام انقلابی اش نمودیم. او هیچ حرفی برای دفاع از خویش نداشت. بعد از طریق روستائیان خبر کسب کردیم که سپاه به روستا آمده و از چند روستایی بازجویی بعمل آورده. در ضمن مردم روستا نیز از به هلاکت رسیدن این مزدور، بسیار خوشحال شده بودند. ما پس از آن یکبار جهت گذاشتن کمین به جاده مجاور روستا رفتیم و برای پاسداران کمین گذاشتیم، اما آنها نیامدند و بعلت باران شدید بیش از ۲/۵ ساعت در کمین باقی نماندیم و برگشتیم. بعد از سه روز، در یکروز آفتابی کمینی برای آنها گذاشتیم و یک جیب آنها را با ۵ پاسدار به هلاکت رساندیم و مقداری سلاح و فشنگ به غنیمت گرفتیم. سلاح ها را در آن منطقه مخفی کردیم و از آن منطقه دور شدیم. پس از فاصله گرفتن از آن منطقه در کنار یک رودخانه کوچک پایگاه زدیم. از قرار معلوم سپاه فهمیده بود که واحدهای جنگل کنار رودخانه پایگاه درست می کنند و از این طریق دست بکار شده بود و بوسیله جاسوسان محل با نیروی چندین برابر نسبت به ما، به جستجوی ما می پرداختند. یکروز متشکل از چهار نفر مشغول گشت بودیم که در ۷۰ - ۸۰ متری خود ۲ نفر مسلح و ۱ نفر شخصی را دیدیم ابتدا فکر کردیم از افراد خودمان هستند، پس از دقت کامل متوجه شدیم که پاسدار هستند. آنها از ستون پاسداران که در آن حوالی مشغول گشت بودند، جدا شده بودند. بلافاصله از فاصله ۲۰ متری آنها را سه رگبار بستیم. فردی که لباس شخصی به تن داشت و یکی



خلاصه تصمیم گرفته شد دو نفر از افراد برای تهیه آذوقه به اطراف محل استقراری مان برونند و از نزدیکترین روستا یا گاودار (گالش) آذوقه تهیه کنند. دو نفر برای این کار روانه شدند و چند نفر دیگر هم برای شناسایی اطراف روانه شدند. میبایستی حداقل اطلاعاتی راجع به این منطقه بدست می آوردیم. مثلا نزدیکترین آبادی به ما و نزدیکترین جاده که به شهر ختم می شود و غیره ...

من و ۲ نفر دیگر برای شناسایی روانه شدیم. میبایستی مدت زمان شناسایی از یک روز بیشتر طول نکشد و هم اینکه در مسیر با هیچ فردی برخورد نداشته باشیم، احساس وجود ما در آن منطقه می توانست برای نیروهای رژیم بزرگترین کمک باشد. بعد از چند ساعت از منطقه پایگاه دور شدیم به یک جاده شنی نسبتا پهن رسیدیم که باتوجه به آشنایی قبلیمان فهمیدیم که جاده اصلی آذربایجان-گیلان است. این جاده برایمان خیلی مفید بود زیرا که هم می توانستیم بر روی آن کمین پهن کنیم و هم در صورت لزوم از آن به شهر جهت عملیات شهری برویم. از شب یک کوه بالا رفته بودیم که متوجه یک روستای بزرگ در دامنه یک کوه شدیم، خواستیم خود را از دید روستائیان پنهان سازیم که آنها برایمان دست تکان دادند و ما برای اینکه سوختنی بوجود نیآوریم بطرف آنجا حرکت کردیم، در چندین لحظگی که فرصت داشتیم

بقیه در صفحه ۱۱

برگزاری مراسم روز پیشمرگه کردستان در یکی از مقرهای کمیته کردستان سازمان در ناحیه مرزی

روز ۲۶ آذر ۶۵ بمداف با روز پیشمرگه کردستان در یکی از مقرهای پیشمرگان سازمان در ناحیه مرزی کردستان مراسم با شکوهی با شرکت جمعی از پیشمرگان و اعضای سازمان برگزار گردید.

در این مراسم رفیق مسئول کمیته کردستان سازمان، در رابطه با روز ۲۶ آذر، روز پیشمرگه کردستان سخنرانی نمود. وی در بخشی از سخنانش گفت: دو سال پیش که به پیشنهاد حزب دمکرات کردستان ایران، روز ۲۶ آذر، روز پیشمرگه کردستان نامگذاری شد ما بنا بدلائیل مشخص از آن استقبال کردیم و اکنون ۲۶ آذر رازوز تمامی پیشمرگان دانسته و کمیته کردستان سازمان ما برای تثبیت آن بعنوان روز تمامی پیشمرگان کردستان مبارزه می کند. رفیق در بخش دیگری از سخنانش، ابعاد گسترده جنبش

بقیه در صفحه ۱۱

برخی از رویدادهای تاریخی

۱۳۵۷ - شهادت کامران نجات الهی استاد مبارز دانشگاه و از اعضا برجسته کانون علمی دانشجویان ۱۳۰۰ - درگذشت رفیق حیدر خان عمو اوغلی ۱۳۶۰ - شهادت مادر قهرمان مجاهد خلق، معصومه شادمانی (کبری)

۱۳۵۷ - کشتار وحشیانه مردم قزوین توسط مزدوران سرکوبگر رژیم شاه خاش

۱۳۰۰ - انتشار نخستین شماره روزنامه "حقیقت" ارگان حزب کمونیست ایران با مدیریت محمد دهگان تحت نام ارگان اتحادیه های کارگری تهران

۱۳۵۷ - کشتار وحشیانه مردم مشهد بدست مزدوران شاه خاش

۱۳۲۵ - شهادت گروهی از افسران و درجه داران مبارز جنبش ملی آذربایجان

۱۳۲۶ - انشعاب جناح خلیل ملکی از حزب توده

۱۳۵۸ - اعلام برنامه ۱۲ ماده ای مسعود رجسوی در جریان انتخابات ریاست جمهوری

۱۳۲۸ - درگذشت نمایاوشیح ۱۳۵۷ - سقوط دولت نظامی انزلی و تشکیل کابینه نوکر بی اختیار، بختیار

۱۳۴۶ - شهادت جهان پهلوان تختی (روز ورزش) ۱۳۳۰ - تصمم قرارداد خاشرانه نظامی ایران و آمریکا بوسیله رژیم شاه. بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه

کنفرانس سران کشورهای اسلامی قرار است در تاریخ ۶ بهمن امسال در کویت برگزار شود. رژیم خمینی با تلاش بسیار در صدد است تا از برگزاری این کنفرانس تحت بهانه های متعدد جلوگیری نماید. رژیم خمینی اعلام نموده که کویت در جنگ بیطرف نبوده و از نظر امنیتی محل مناسبی برای برگزاری کنفرانس نیست. هدف رژیم خمینی از آوردن این بهانه ها، جلوگیری از برگزاری این کنفرانس است. زیرا رژیم خمینی بخوبی میداند که در صورت برگزار شدن کنفرانس، جنگ ظمی رژیم خمینی محکوم خواهد شد. کنفرانس خواستار صلح در جنگ ایران و عراق خواهد شد. رژیم بقیه در صفحه ۴

برای دریافت نبرد خلق

و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

فرانسه <

شهادت فدایی دی ماه

برای فتح قله های
پر صلابت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به بربری؛
یامرگ یاسروری.

رفقا:

فتح الله کریمی - خاطره جلالی - مرتضی حجاج شفیعیبا - حسن محمودیان - سیروس قهیری - محمد زین الدینی - یوسف زرکاری - فاطمه حسن پور اصیل بهمن روحی آشنگران - سرور فرهنگ - حسن سوروزی فاطمه (شمس) نهانی - شاهرخ میثاقی (اولین شهید جنبش دانشجویی در خارج از کشور) - خدا بخش شمالی - در مبارزه قهرمانانه علیه رژیم های شاه و خمینی و نیز در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دمکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۵۰ تا کنون بشهادت رسیدند.

آخرین موضع گیری مهم اتحاد شوروی

در قبال جنگ ایران و عراق

دولت اتحاد شوروی در تاریخ ۱۹ دیماه امسال طی بیانیهای که توسط خبرگزاری تاس منتشر شد و بوسیله رئیس هیئت نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی در سازمان ملل به اطلاع جامعه بین المللی رسید، اعلام نمود، تا هنگامی که رژیم خمینی از تلاش متذکرات برای صلح خودداری می کند، از حمایت نظامی خواهد کرد. این موضع مهم اتحاد شوروی که انعکاس وسیعی داشت، در خبرگزاریهای بقیه در صفحه ۲

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، یا مستقیما بدست ما برسانید یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به یکی از آدرس های سازمان ارسال دارید.

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365
MME. TALAT R.T.
2617 G
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE